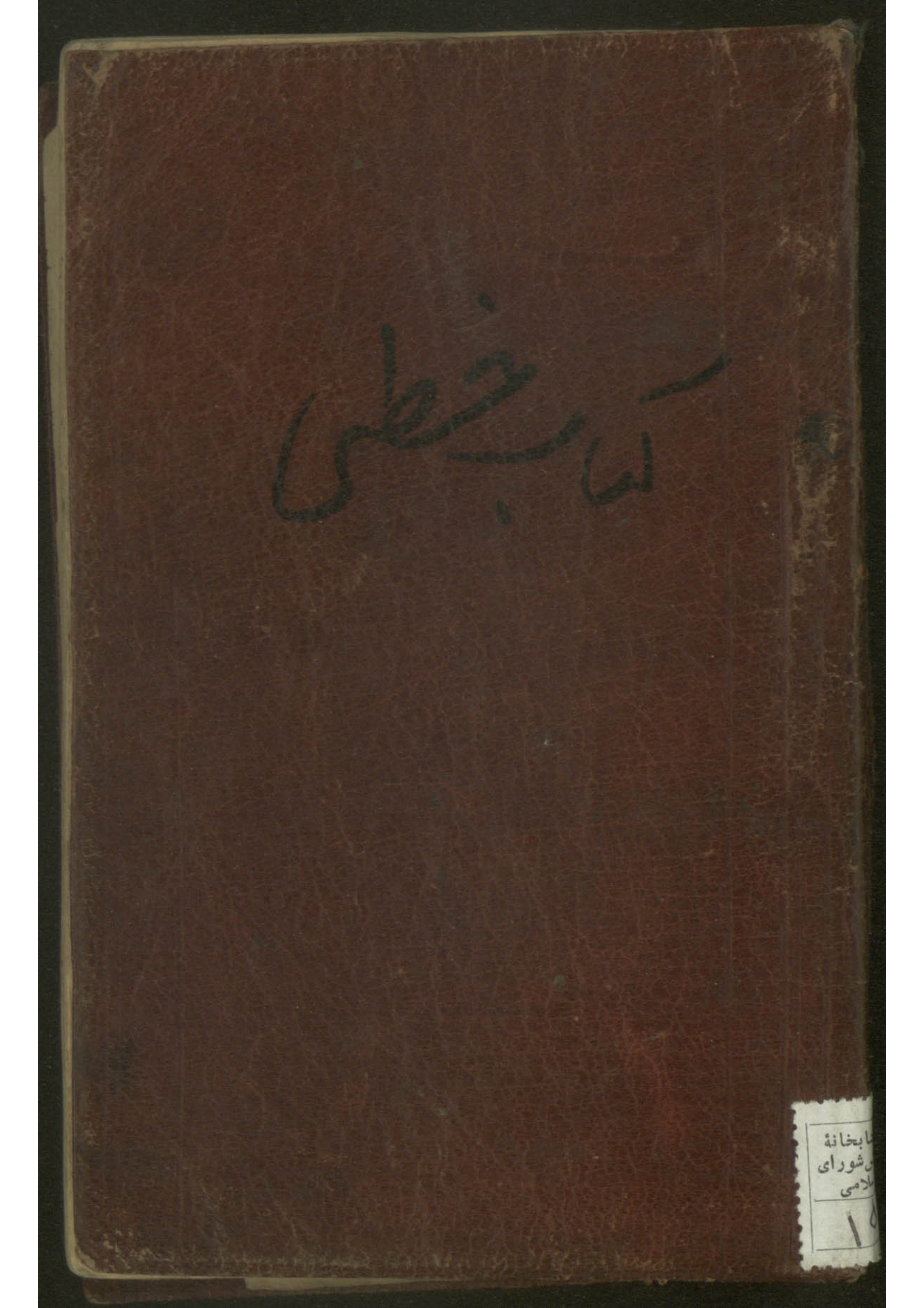
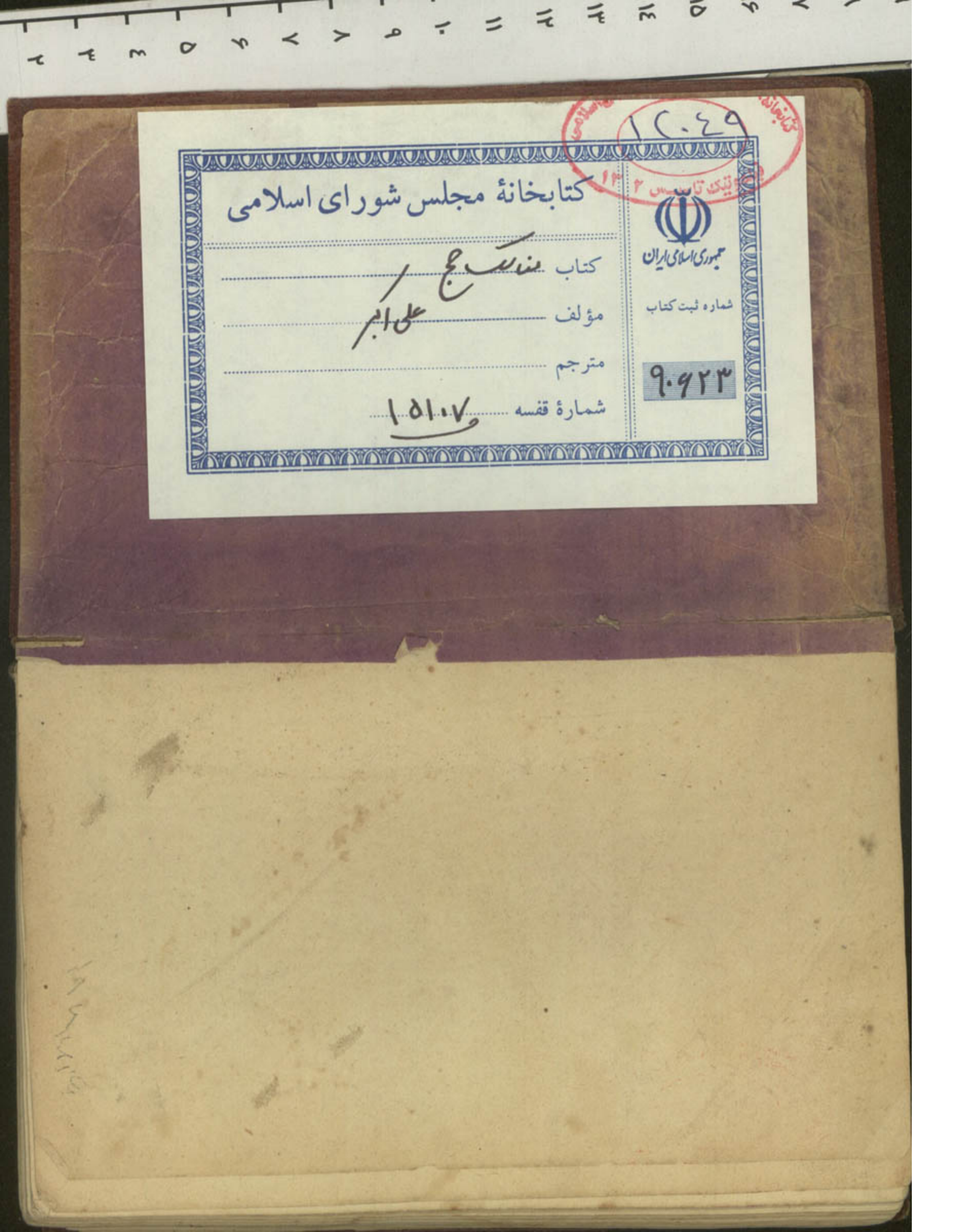

کتاب خطی

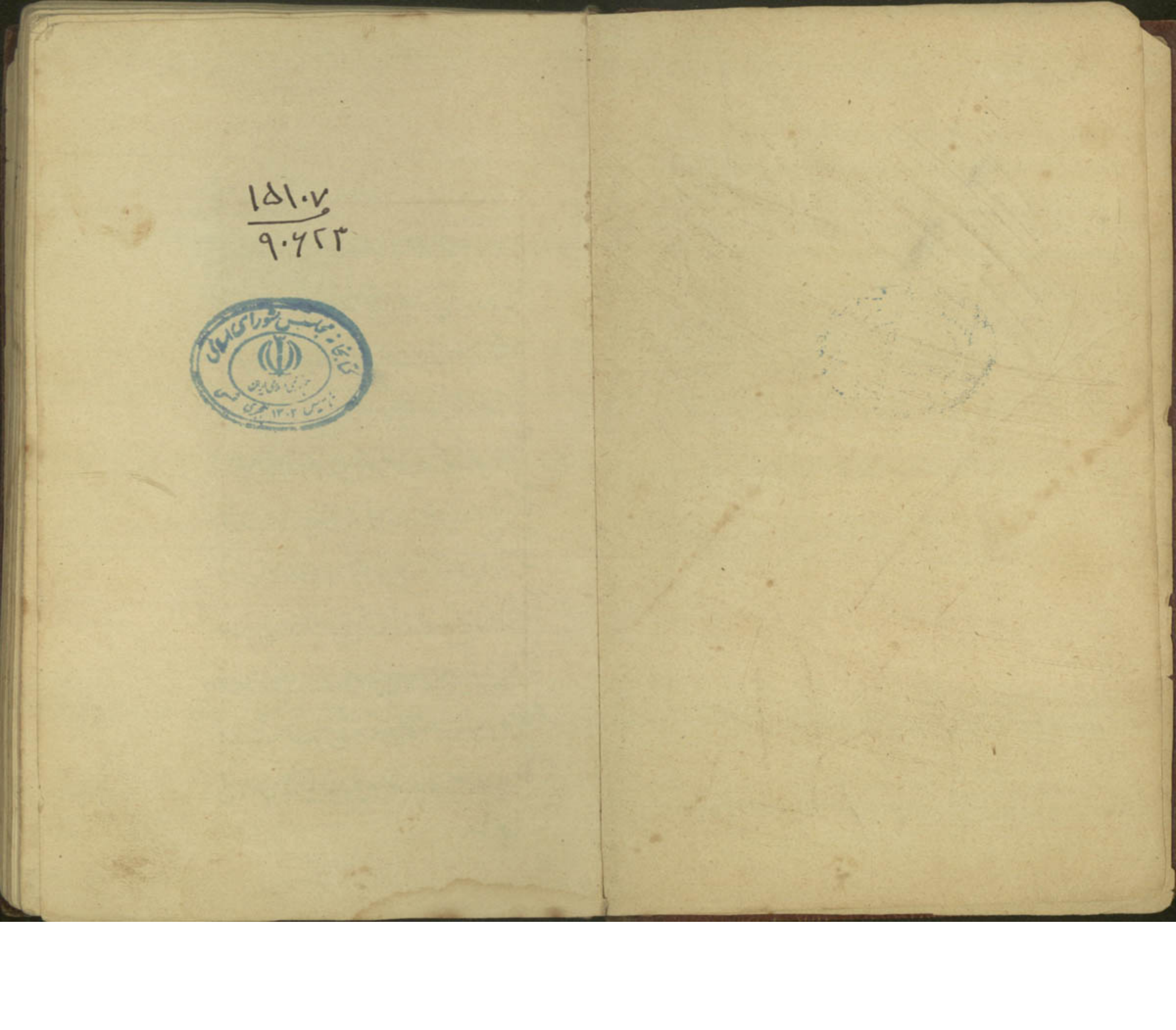


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۵۱۰۷
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۹۰۶۲۳



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب مناسک حج
مؤلف علی اکبر
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۵۱۰۷
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۹۰۶۲۳





۱۵۱۰۷
۹۰۶۲۳
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی و بعد چنین گوید بنده
اثیم محمد بن کریم در چند سال قبل رساله وجیزه در احکام را
بزبان عربی و فارسی در احکام عبادات نگاشته بودم و در ایران
و عربستان و بعضی بلاد دیگر نسخه آن منتشر گردیده بود و احکام
غالب عبادات را از اخبار ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین
استنباط نموده بودم و احکام حج را ننوشته بودم تا اینکه جمعی از اخوانی
صانهم الله عن طوارق الحدثان از طرف بدان ابرام نمودند و اصرار
فرمودند که احکام حج را نیز بنویسم و چون رساله وجیزه نسخ
عدیده شده بود و بطبع هم درآمده بود شایسته ندیدم که احکام
حج را ملحق بآن کتاب نمایم لهذا رساله مستقله در مناسک

حج بعربی

حج بعربی نوشتم و بجهت اشخاصی که از زبان عربی بهره نبرده‌اند
بعضی احکام آن رساله را بقدر حاجت بزبان فارسی ترجمه
نمودم تا اینکه فارسی زبانان نیز از احکام بهره‌مند شوند و بجهت
اینکه موسم حج از بلاد ایران نزدیک شده بود و جمعی منتظر
وصول این رساله بودند چون که جمع نمودن جمیع مسائل حج
و عمره نشد در رساله عربیه همان مسائل عامة البلوی را
جمع نمودم و مسائل نادرة الوقوع را ترک کردم و این
رساله هم در واقع ترجمه آن رساله است نیز باختصار کوشیدم
و بعضی جزئیات را فارسی ننمودم و اگر کسی طالب باشد از رساله
عربیه استنباط نماید و مرتب ساختم این رساله شریفه
بر مقدمه و مناسک و خاتمه مقدمه در بیان وجوب
حج و فضیلت آنست و بعضی احکام نوعیه و در آن چند

فصل فصل در وجوب حج است و فضیلت آن

بدانکه حج فریضه است از فرایض خدا بر اشخاص معینه و کر
تنها خواهد شد و هر کس عمداً بدون عذر ترک نماید حج را
کافر میشود بخداوند عز و جل و در روایت شده است تارک
حج در قیامت در صف یهود و نصاری محشور میشود و همچنین
عمره هم فریضه است بلکه حج صغری است و جایز نیست
تعویق حج و بدانکه با صد شرح حج واجب است در مدت
عمر یکمرتبه مگر آنکه کسی بنذر یا شبه آن بر خود واجب کند
حج زیاده تر ولی مستحب است حج بسیار کردن و فضلش بسیار است
و در فضیلت حج اخبار بسیار وارد شده است و از ذکر کردن
همه اخبار معذوریم و بذکر یک حدیث اکتفا مینمائیم
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است

که هر کس

که هر کس بیرون رود بجهة حج یا عمره از برای او ثبت میشود
بهر قدمی که بر میدارد تا برمیگردد صد هزار هزار حسنه
و محو میشود از او هزار هزار سیئه و خداوند او را بالا میبرد
هزار هزار درجه و بهر یک درهم که در راه حج صرف
نماید باو عطا میکند هزار هزار درهم و بهر دیناری هزار هزار
دینار و هر حسنه که در این سفر بجا میاورد برای او ثبت میشود
هزار هزار حسنه تا برگردد و او در ضمان خداست اگر مرد از
او را داخل بهشت مینماید و اگر برگردد گناهانش همه آمرزیده
میشود و دعای او مستجاب میشود پس غنیمت بشمرید دعای او را
زیرا که هرگاه برگردد پیش از آنکه گناهی نماید دعای او رد
نمیشود و شفاعت او در روز قیامت قبول میشود در حق هزار
مرد و هر کس پرستاری اهل و عیال او نماید در غیبت او

همین حج را با تمام باو میدهند بدون آنکه از حج حاج

و متمتع چیزی کم شود فصل در ذکر شرایط

حج بر شخص واجب است و در آن چند مسئله است

مسئله واجب میشود حج بر شخص بالغ مستطیع وحد

بلوغ در مردان احتلام است یا روییدن موی خشن

بر روی عانه یا رسیدن بپانزده سال تمام و در زنان

وقتی است که حیض شود یا بنه سال تمام رسند مسئله

شرط وجوب حج کمال عقل است و بر مجنون تکلیف نیست

تا عاقل شود مسئله شرط وجوب حج آزادی است

و مملوک هرچه حج نماید باذن مولا بر او ثواب نوشته

میشود ولی هرگاه آزاد کرده شود و مستطیع شود حج بر او واجب است

مسئله حد استطاعت سالم بودن بدن است و بی مانع بودن

راه وزاد

راه و زاد و راحله و نفقه بقدر مخارج راه و مخارج عیال

در رفتن و برگشتن او و در بعضی عبارت باید بعد از

برگشتن هم بقدر کفایت معاش خود داشته باشد یا کسب داشته

باشد که معاش کند مسئله هرگاه کسی شخص را بحج برد

و ضامن مخارج او شود حج بر او واجب است و جایز نیست

بر او حیا نماید و قبول نکند و کفایت میکند از

حج واجب ولی هرگاه خداوند باو مکنت عنایت فرمود

مستحب است که مجدداً حج نماید مسئله هرگاه طفل را

پیش از بلوغ حج برند کفایت از حج واجب او نمیکند

مسئله پس هرگاه بحد بلوغ رسید و مستطیع باشد حج میکند

در حد استطاعت مدخلیت قدرت و صحت بدن شرط است پس

نه هر کس یک مبلغ میتوانند حج کنند و روایت شده

حج میکند اگرچه بر حمار گوش بریده و دم بریده باشد یا آنکه قادر باشد
که بعض راه را سواره رود و بعض را پیاده مسئله شخص مستطیع
اگر محتاج بقرض کردن باشد باید قرض کند و حج نماید و اگر مدیون باشد
و مال بقدر اداء دین داشته باشد و هرگاه اداء دین نماید از حج
میماند و دعا میکند که خدا قرض او را ادا فرماید مسئله هرگاه
تزویج نمودن لازم باشد و حج هم کرده باشد اول حج مینماید بعد تزویج
میکند اگرچه حج مستحبی باشد مسئله جایز نیست حج کردن با مال
حرام بلکه با مال حرام شخص مستطیع نمیشود فصل در حج
نیابت است و در آن چند مسئله است مسئله جایز است که مرد
حج نماید بنیابت مرد یا زن و همچنین زن حج نماید بنیابت مرد یا زن
مسئله سزاوار است که مؤمن حج کند بنیابت پیغمبر و ائمه صلوات الله
علیهم و فضیلت است در حج تمتع بنیابت ایشان نماید مسئله

سزاوار است

سزاوار است در حج خویش شریک نماید ائمه و حجج و مؤمنین و ارحام
و اقارب خود را و اجرش با بودن همه مضاعف میشود مسئله مستحب است
طواف کردن از جانب پیغمبر و ائمه و حضرت فاطمه علیهم السلام مسئله
جایز است طواف کردن از جانب غایبین و جایز است که یک اسبوع
طواف کند و دو رکعت نماز نماید از جانب همه مؤمنین و مؤمنات
و بهر یک بگوید که من بجهت تو طواف نمودم مسئله کسی که بنیابت
دیگری بحج رفته است هرگاه از مناسک حج فارغ شد هر عملی که
بخواهد بجهت خود یا بنیابت دیگری بجا بیاورد جایز است مسئله
جایز است هرگاه از فراغ از حج ثوابش را بجهت دیگری قرار دهد مسئله
سزاوار نیست هرگز زن در حج تمتع است بنیابت کسی که حج نکرده حج
نماید مسئله هرگاه کسی وصیت نماید بنیابت او حج نمایند
خود وصی میتواند بجهت او حج کند و از مال او صرف نماید مسئله

جایز نیست حج کردن بنیابت ناصب و همچنین او را نایب قرار
دادن ولی هرگاه پدر شخص ناصب باشد جایز است بنیابت او
حج کند مسئله هرگاه کسی نداند که آیا پدر او حج نموده است یا نه بنیابت
او حج میکند پس هرگاه حج کرده است بر او حج استحبابی نوشته میشود
و بر فرزند فریضه و اگر حج نکرده است بر او فریضه نوشته میشود و بر فرزند
نافله مسئله جایز است هرگاه کسی از نیابت خود حج بفرستد استحباباً
بمحض طلب ثواب ولی کفایت از حج واجب نمیکند مسئله
هرگاه کسی مرده باشد و وصیت نموده باشد که از جانب او حج
کنند ولی او از جایی که باید نایب میفرستند حج نماید بنیابت او اگر
مالش وفا نماید و اگر مالش وفا نکند از غیر آن جا باید نایب بگیرند بقدر یکه
ممکن است و هرگاه مالی نداشته باشد که از بلد دیگر نایب بفرستند از
میقات که نایب میگیرند مسئله هرگاه کسی مالی بدهد بکسیکه

از جانب او

از جانب او حج نماید از بلدی پس حج نمود از بلد دیگر کفایت
میکند او را هرگاه تمام مناسک را بجا آورده باشد ولی بر خود
نایب جایز نیست که تخلف نماید از هر منوب عنه مسئله
هرگاه کسی نایب بگیرد که حج افراد از جانب او بجا آورد بر نایب
جایز است حج تمتع بجا بیاورد ولی عکس این جایز نیست مسئله
هرگاه کسی کسی را نایب قرار دهد و با او شرط نکرده که خودش حج نماید
بر او جایز است که نایبی از برای خود بگیرد و هرگاه هم شرط کرده که نایب
از جانب خود قرار دهد عملش مجزی است مگر اینکه شخص نایب حذف
کرده است مسئله هرگاه کسی مالی بدهد بکسی که از جانب او حج نماید
و آن شخص از جانب خود حج کند حج بر صاحب مال نوشته میشود نه بر آن
شخص مسئله هرگاه کسی مالی داد بکسی که از جانب او حج نماید و از آن مال
چیزی زیاد آورد و صرف نشده باشد آنرا رد بر صاحب مال نماید

مسئله یکنفر نیابت از دو نفر نمیتواند در حج مسئله یکی حج نماید
از جانب دیگری مستحب است که اسم او را در وقت احرام و غیر آن
ذکر نماید بگوید اللهم ما اصابنی فی سفری هذا من تعب
او بلاء او شعث فاجر فلانا فیه واجرنی فی قضائی
عنه و در وقت قربانی هم ذکر اسم او را نماید مسئله اگر
بنیابت دیگری حج میکند یک هدی او را کافیست مسئله
هرگاه شخص نایب پیش از حج کردن بمیرد و مالی نداشته باشد استرداد
نماید مخارج است از میت و اگر نایب حجی که بعهده است بجا آورد ثواب
بر منوب عنه نوشته میشود مسئله هرگاه نایب در حج خود عمداً
مرتکب شود که بر او حج واجب شود یا کفاره داشته باشد بر منوب عنه
هیچ نیست و از او مخارج است ولی برخود نایب است آنچه
مسئله هرگاه نایب بیرون رود و در راه بمیرد از منوب عنه مخارج است

ولی بر نایب است که وصیت کند کسی دیگر از آنجا که او مرده است
بر مرکب او سوار شود و توشه او صرف نماید و حج کند و هرگاه
بعد از دخول حرم بمیرد یا در مکه کافیست از منوب عنه و لازم
نیست که دیگری از جانب او حج نماید مسئله هرکس بمیرد و حج
نکرده باشد با اینکه وجوب الحج بوده احتیاطاً حج بلدی برو نمایند
و اجرت حج را از میقاتگاه تا بمکه از اصل ترکه محسوب دارند و از
بلد تا میقاتگاه را از ثلث و هرگاه ترکه نداشته باشد بقدر اینکه
وفا بحج بلدی نماید حج میقاتی برای او بنمایند مسئله اگر بمیرد در راه
مکه پیش از آنکه داخل حرم شود و وصیت نماید که از جانب او
حج کنند از همانجا که مرده حج بنمایند فصل در اقسام حج است
و بعض احکام آنها و در آن چند مسئله است مسئله حج بر سه وجه است
حج قران و حج افراد و حج تمتع مسئله مفرد کسی است که حج را

جدا بجا میاورد و عمره را جدا مُقرِن هم مثل مُفرِد است الا آنکه
هدی با خود میبرد و متمتع کسی است که اول عمره بجا میآورد و بعد
حج میکند مسئله فضیلت حج تمتع بسیار است و ائمه علیهم السلام
امر بآن فرموده اند مسئله حدود حج چهار است احرام و وقوف
در دو موقف و طواف خانه و سعی میانه صفا و مروه و از برای
هر یک حکمی است که در مقام خود ذکر میشود مسئله در همه اعمال
حج نیت شرط است مسئله هر کس این حدود مذکوره را ترک نماید
واجب است بر او کفاره و اعاده نمودن مسئله کسی که حج قران
بجا آورد یک طواف مینماید بعد از برگشتن از منی در روز عید
یا بعد از آن بر وجهی که بعد ذکر خواهد شد و دو رکعت نماز طواف
میکند و سعی مینماید میانه صفا و مروه و طواف نساء بعد از اعمال
حج مینماید که آنرا طواف نساء میگویند و کسی که حج افراد هم

مینماید

مینماید همین اعمال واجب است بعینه و متمتع یک طواف و سعی
می نماید بجهة عمره پس از ورود مکه و طواف بجهة حج میکند و طواف
نساء بجا میآورد مسئله هر گاه نیت حج افراد کند جایز است
که بعد از آنکه سعی نمود میانه صفا و مروه تقصیر کند و این را
عمره قرار دهد پس بجهة حج مُحرم شود ولی افضل است که در وقت
احرام نیت حج تمتع نماید مسئله کسی که حج قران نماید جایز
نیست که نقض تمتع نماید و همچنین هر گاه بعد از سعی قبل از آنکه
تقصیر نماید تلبیه بگوید مسئله تمتع بر همه کس واجب است مگر
بر اهل مکه مسئله کسی که منزل او خارج مکه باشد هر گاه تا به حد
... مسافت تا مکه دارد جزو حاضرین مکه محسوب میشود و حج
تمتع نمینماید و اگر بیشتر مسافت دارد حج تمتع میکند مسئله
کسی که دو سال در مکه اقامت نماید از مجاورین محسوب است و حج تمتع

نمیکند مسئله کسیکه خانه و عیال دارد یکی در مکه و یکی
در غیر مکه در هر کدام بیشتر توقف میکند حکمش حکم اهل آنجاست

فصل در تعیین مواقیت است و در آن چند مسئله است

مسئله پیغمبر صلی الله علیه و آله در اطراف حرم خدا جاهائی را
معین فرموده است و امر فرموده است که از آنجاها محرم شوند و آنجا
را میقات میگویند و برای اهل هر بلدی و مملکتی میقاتی معین فرموده
پس میقات اهل مدینه و هر کس که از آن راه رود جائی است که آنرا
ذو الحلیفه میگویند و میقات اهل یمن یلملم است و میقات
اهل طایف قرن المنازل است و میقات اهل نجد عقیق است
مسئله حد عقیق اولش مسلخ است و وسطش غمره و آخرش
ذات عرق و افضل آنست که از مسلخ محرم شوند و هرگاه تقیه شود
از غمره و تأخیر نمایند از احرام تا ذات عرق مگر آنکه عذری
باشد

[illegible] مغرب جحفه است و آنرا مهیعه میگویند [illegible]

باشد مسئله کسیکه منزل او میانه میقات و حرم [illegible] است
از منزل خود محرم میشود مسئله کسیکه تقیه نماید از عامه و تواند
از مسلخ محرم شود محرم میشود و بعد جامه خود را میپوشد و آهسته
تلبیه میگوید تا آنوقت که بجائی برسد که آنها برسند پس احرام خود را
ظاهر میکند و تلبیه بلند میگوید مسئله کفایت میکند تو را
در معرفت میقات اینکه از مردم بپرسی و در دین خدا احتیاجی
نیست مسئله محل احرام در ذو الحلیفه مسجد شجره است و کسیکه
معذور است جایز است برای او که از جحفه محرم شود مسئله
حد مسجد شجره در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله همان اندازه است
خارج از سقایف است و باید در همانجا محرم شود و آنقدر که
بر مسجد زیاد کرده اند محل احرام نیست مسئله جایز نیست محرم شدن
پیش از رسیدن بمیقات و بعد از گذشتن از میقات مگر بجهت

متن یا تیقّه مسئله کسیکه یکماه در مدینه اقامت کند و اراده
حج نماید و بخواهد از غیر راه اهل مدینه برود همین که شش میل راه
از مدینه گذشت محرم میشود زیرا که آنجا محاذی شجره است و در روایتی است
که در مسجد محرم میشود و هر طرف میخواهد برود میرود مسئله
جایز نیست بر کسیکه داخل مدینه شد اینکه از میقات اهل مدینه
تجاوز نماید و در وقت عرق محرم شود و همچنین اهل هر بلدی هرگاه
از راه میقاتی بروند از همانجا محرم میشوند و احتیاطاً از آنجا تجاوز
نمینمایند مسئله اطفال را هرگاه بر ایشان نترسند از میقاتگاه
سایر مردم محرم مینمایند و اگر بر ایشان بترسند از فخ محرم مینمایند
مسئله کسیکه پیش از میقاتگاه محرم شود و صید نماید یا عمل دیگر کند
که بر محرم جایز نیست بر او چیزی نیست مسئله جایز نیست پیش از
میقاتگاه محرم شوند مگر در صورتیکه بجهة عمره ماه رجب محرم شود و بترسد

از اینکه

از اینکه هرگاه احرام را تا میقاتگاه تأخیر اندازد ماه رجب بگذرد
مسئله میقات کسیکه حج تمتع مینماید بعد از فراغ از اعمال عمره تمتع
خود مکه است و افضل اینست در مسجد الحرام محرم شود و افضل اینست در زیر
مقام ابراهیم یا در حجر اسمعیل محرم شود مسئله کسیکه از روی جهالت یا
فراموشی در میقاتگاه محرم نشود بعد ملتفت شود برمیگردد و بمیقات
بلد خود یا هر میقات که از آن راه آمده است و محرم میشود در صورتیکه
ممکن باشد و اگر ممکن نباشد برگردد هرگاه داخل حرم نشده است از همانجائی
که ملتفت شد محرم میشود و هرگاه وقت تنگ باشد و بترسد حج از او
فوت شود از همانجائی که هست محرم میشود مسئله کسیکه فراموش کند
احرام را تا آنوقت که بعرفات آید آنگاه متذکر شود میگوید اللهم
علی کتابک و سنة نبیک صلی الله علیه و آله و بر او حجی
نیست مسئله کسیکه از روی جهل در روز ترویه محرم شود و همه مناسک

[illegible]

حج را بجا آورده و بر گردد حج او تمام است مسئله کسیکه عمداً
معصیت کند و احرام را ترک نماید بر میگردد بمیقات ارض خود
و محرم میشود مسئله مجاورین مکه و اهل آن هرگاه اراده عمره نمایند بیرون روند
بجعرانه یا حدیبیه یا مثل آنها و از آنجا محرم میشوند و کسیکه در مکه اقامت
نموده هرگاه اراده تمتع نماید بمیقات ارض خود میرود و از آنجا محرم میشود
و هرگاه اراده حج افراد نماید از بیرون حرم محرم میشود مسئله از اهل مکه
کسیکه حج تمتع است از اول ماه ذیحجه محرم میشود و کسیکه حج کرده است
از نجم محرم میشود مقصد اول در احرام است و بعض احکام آن و آداب آن
متعلق بآنست و در آن چند فصل است فصل در بعض احکام احرام عمره
و حج و در آن چند مسئله است مسئله مستحب است از برای کسیکه اراده
احرام نماید که از اول ماه شوال موی سر خود را نگیرد تا روز عید اضحی و از دهم
ماه شوال تاکید آن زیادتر میشود و یکماه پیش از ایام حج جایز نیست سر تراشیدن

و از برای عمره نیز یکماه پیشتر سر نتراشند مسئله هر کس روز قبل از
احرام حج سر خود را عمداً بتراشد بر او است گوسفندی بریزد مسئله
جایز است شارب زدن و ناخن گرفتن و نوره کشیدن و حجامت
نمودن و مسواک کردن و پشت کردن را تراشیدن قبل از احرام
در این ایام و موی سر را نتراشد مسئله مستحب است که قبل از
احرام زیر بغل و عانه را بتراشد و ناخن را بگیرد و شارب خود را بزند
و نوره بکشد و ملاحظه ترتیب در این احکام نمیشود و هرگاه قبل از دو
روز احرام این اعمال را بجا آورده باشد واجب نیست بر او اعاده نمودن
مسئله کسیکه بجهت احرام عمره نوره کشیده اگر میان این احرام و احرام
ثانی پانزده روز بشود تجدید آن ننماید اگر پانزده روز نشود محتاج است
مسئله سزاوار است برای کسیکه اراده احرام نماید غسل احرام نمودن
بلکه مهما امکن ترک ننماید مسئله سزاوار است مسواک کردن پیش از

غسل مسئله روایت شده است که کفایت میکند که غسل احرام را
در مدینه نماید و در جایگاه محرم شود ولکن فضل است که در ذی الحلیفه
که جایگاه است غسل کند مسئله هرگاه پیش از طلوع فجر غسل کند
هر وقت آن روز محرم شود همان غسل او را کافی است و همچنین هرگاه
اول شب غسل کند تا آخر شب هر وقت محرم شود کافی است
بشرط اینکه حدثی که مبطل وضوست از او سر نزده باشد
و هرگاه حدثی از او سر زند مستحب است اعاده کردن غسل
مسئله هرگاه کسی غسل بکند و بعد از آن لباسی بپوشد که بر محرم
سزاوار نیست یا غذائی بخورد که نبایست خورد یا بر سر چیزی
بپوشد از او یا عطری استعمال کند مستحب است که غسل را اعاده
نماید مسئله کسیکه غسل نماید بعد از آن بر سر خود دستمالی مالد
یا ناخن خود را بگیرد ضرر بر او ندارد ولی بعد از ناخن گرفتن

دست خودرا

دست خود را میشوید مسئله اهلال حج سه چیز است شعار و تقلید
و تلبیه مادامیکه یکی از آنها را بجا نیاورده باشد بر او جایز است
کاری کند یا چیزی استعمال نماید که بر محرم روا نیست مسئله
قبل از احرام باید نماز احرام بجا آورد یا نماز فریضه کند که بتعقیبش که
بعد ذکر میشود و هرگاه کسی بدون نماز محرم شود جاهلاً یا عالماً عامداً
میکند و همچنین هرگاه بدون غسل محرم شود مستحب است اعاده نمودن
مسئله جایز است محرم شدن در هر لباسی که نماز با او میتوان کرد
چه از پنبه باشد و چه غیر پنبه خواه ابریشم محض داشته باشد یا نداشته
باشد مسئله مستحب است جامه احرام برد یمانی باشد مسئله
جایز است محرم شدن در جامه سیاه و لکن کراهت دارد مسئله
جایز است رداهای متعدد دوش گرفتن بجهة حفظ از گرما و سرما
مسئله جایز است محرم شدن در خز و آن جامه ایست از کرک و ابریشم

با کرک خز تنها است اما جایز است بر زنها پوشیدن همه
لباسها در حال احرام مگر ابریشم خالص که مکروه است فصل
در بیان کیفیت احرام است بعد از آنکه غسل کرد و خود را تنظیف نمود
بر جهتی که مذکور شد دو جامه احرام را بر تن کند یکی را لنگ خود قرار دهد
و دیگری را بر دوش بیاندازد و هرگاه کسی لنگ نداشته باشد
جامه خود را بر گردن خود بیاندازد بر جهتی که عورت را بپوشد
بعد از آن نماز فریضه را بجا بیاورد و فضل است که بعد از نماز
فریضه محرم شود و هرگاه وقت فریضه نباشد شش رکعت نماز
بجا بیاورد و در رکعت اول سوره قل هو الله میخواند با حمد
و در رکعت دویم سوره جحد با حمد و روایت شده است که هرگاه
وقت فریضه هم باشد اول این رکعات را بجا آورد بعد از آن
فریضه را آنوقت محرم شود و در همه اوقات شب و روز میتوان

نماز احرام

نماز احرام را کرد مگر آنکه تقیه نماید یا از شهرت بترسد پس بعد از
عصر نماز احرام میکند و در احرام هرگاه توقف مینماید تا وقت مغرب
پس بعد از اداء فریضه محرم میشود و چون از نماز فارغ شد
دست خود را بلند میکند و حمد خدای را بجا بیاورد و ثنای
بسیار میگوید و صلوات بر پیغمبر و آل او صلی الله علیه و آله
میفرستد و میگوید اَللّهُمَّ اِنّی اُریدُ ما اَمَرتَ بِهِ
مِنَ التَّمَتُّعِ بِالعُمرَةِ اِلَی الحَجِّ عَلی کِتابِکَ وَسُنَّةِ
نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله فَاِن عَرَضَ لی عارِضٌ یَحبِسُنی
فَحُلَّنی حَیثُ حَبَستَنی بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرتَ عَلَیَّ
اَللّهُمَّ اِن لَم تَکُن حَجَّةٌ فَعُمرَةٌ وغیر از این دعا هم وارد شده است
و در مناسک عربی نقل نموده ام و بدانکه هیچ عملی بدون نیت
روا نیست خواه در حج و خواه در غیر حج خواه در احرام و خواه

در غیر احرام و نیّت امری است قلبی و واجب نیست
جاری کردن نیّت بر لسان ولی مستحبّ است در احرام
نیّت خود را بزبان ذکر کند بمثل این دعا که ذکر شد یا سایر
دعوات مأثوره و در حجّ قران و افراد ذکر عمره در نیّت
احرام حجّ ننماید و امّا بعض اخبار که وارد شده است باین
نحو که نیّت حجّ کند بعد از طواف و سعی منصرف شود
و بدل بعمره نماید یا در دل نیّت عمره نماید و اهلال بحجّ
کند از جهت تقیّه است نیّت و عمل و لسان همه باید مطابق
باشد و هرگاه نیّت نماید و بر زبانش سهواً جاری شود
غیر از آنچه نیّت کرده ضرر ندارد و مناط عمل بآن نیّت
قلبی است و مستحبّ است در وقت نیّت احرام شرط
نماید با خداوند که هر جا که انسان محبوس شود محلّ گردد

والفاظ

و لفظ شرط در دعای سابق مذکور شد و امّا کیفیّت احرام
حجّ در حجّ تمتّع بعد از آنکه تقصیر نمود چون روز ترویه شود
قریب بظهر بهمان قاعده که سابق مذکور شد از نوره کشیدن
و شارب زدن و غیر آنها عمل مینماید در صورتیکه لازمش شده
باشد و غسل میکند و جامه احرام در بر مینماید و با طمأنینه و وقار
و ذکر خداوند وارد مسجد الحرام میشود پس دو رکعت یا شش رکعت
نماز نزد مقام بجا میآورد و دعا میخواند و می نشیند تا ظهر شود
پس نماز فریضه را بجا میآورد و میگوید بعد از تمام نماز اللّهمّ انّی ارید الحجّ
فیسّره لی و حلّنی حیث حبستنی بقدرک الّذی
قدّرت علیّ و میگوید احرم لک شعری و بشری
و لحمی و دمی من النّساء و الثّیاب و الطّیب ابتغی
بذلک وجهک و الدّار الآخرة و حلّنی حیث حبستنی

بقلبک اللهم فلک حجتی علیّ بعد از همان توی مسجد نمازی
تلبیه بگذاری و فضل آنست که در قطار تلبیه را بلند بگوئی
و بهتر آنست که روز ترویه بعد از زوال بوجهیکه مذکور شد
روانه بشوی و هرگاه میسر نشود هر وقت میسر شود چه قبل از ظهر
چه بعد از ظهر میروی و بعد ازین احکام رفتن بسوی منی مذکور
میشود انشاء الله و آنچه ذکر شد حکم مرد بود و زنیکه حایض یا
نفسا باشد و اگر زن حایض و مستحاضه غسل میکند چه در عمره
و چه حج و خود را پاک میکند و پنبه با خود بر میدارد و خود را
می بندد و جامه پاکی دیگر زیر لباسهای خود میپوشد و اهلال
میکند بحج و عمره و لیکن نماز نمیکند و داخل مسجد الحرام هم نمیشود و هرگاه
تا وقت طواف هم پاک نشود داخل مسجد نمیشود و طواف را تا آخر
میاندازد و لیکن در سایر مواقف حاضر میشود و همه مناسک را اینجا
میاورد

میاورد و بعد ازین احکام آن خواهد آمد و کسیکه غش کرده
باشد و شعور نیاید دیگری از جانب او محرم میشود فصل
در آداب تلبیه و اشعار و تقلید است و دران چند مسئله است
مسئله چون محرم جامه احرام را پوشید و اعمالیکه مذکور شد
بجا آورد تلبیه میگوید مسئله مستحب است بعد از نماز و دعا
قدری راه رود آن وقت تلبیه گوید مسئله کسیکه از ذو الحلیفه
محرم شود راه میرود و تا بزمین مستوی رسد آنجا تلبیه میگوید
و روایت شده است هر کسیکه پیاده است در مسجد تلبیه میگوید
و سواره در بیدا مسئله جایز است بر پیاده و سواره هردو که صبر
کنند تا بزمین مستوی برسند آنجا تلبیه گویند مسئله
تلبیه عقد احرام است و آن بمنزله تکبیرة الاحرام است برای
نماز و بعد از آنکه تلبیه گوید محرم شده است و احکام احرام همه

بر او جاری است مسئله هرگاه از عمره محرم شدی [illegible]

میخواهی از همان جای نماز تلبیه بگو میخواهی قدری راه برو

بعد تلبیه بگو و افضل این است که قدری راه روی آنوقت تلبیه بگوئی

مسئله از سایر مواقیت همینکه شتر انسان برخواست تلبیه

میگوید مسئله در احرام حج اگر بخواهی در مسجد پشت مقام

تلبیه بگوئی ولی افضل این است که بروی تا رقطاء قبل از آنکه

بابطح برسی تلبیه بگوئی و رقطاء جائی است در راه یا میشود

آنجا که مشرف بر ابطح است و روایت شده است که آنجا که آنحضرت

بعث در بطرف راست افتاد و عقبه بطرف چپ آنجا است

جای تلبیه و روایت شده است که همینکه بردم رسیدی

و آن جائی است که کعبه از آنجا پیداست و مشرف است

بر ابطح آنجا صوت خود را بتلبیه بلند کن مسئله بلند کردن

صوت

صوت مخصوص بمردان است و بر زنها جایز نیست صدای

خود را بتلبیه بلند کنند چنانکه هروله کردن در وقت سعی

بین صفا و مروه و بوسیدن حجر الاسود و دخول کعبه برایشان نیست

مسئله اخرس عوض تلبیه با انگشت خود اشاره میکند و زبان

خود را حرکت میدهد یا دیگری از جانب او تلبیه میگوید مسئله

عیب ندارد تلبیه گفتن در حال جنابت و بی وضو و در حال

مسئله محرم تلبیه میگوید که از اوقات خاصه هر وقت سواری

را ببیند یا بر بلندی بالا رود یا بدره خانه پائین رود و آخر های

شب و بعد از نماز و همینکه شتر از جای خود برخیزد یا از خواب

بیدار شود و که از اوقات بقدر استطاعت مسئله مستحب است که

در احرام خود بمتعه تلبیه گوید مسئله در اول کلام باید تلبیات

اربع را بگوید و اینها فریضه است و توحید خالص و اینها سنن

همه این چهار تلبیه را گفته اند مثلاً صدوق واجب از تلبیه است
که بگوئی لبّیک اللّهمّ لبّیک لبّیک لا شریک لک لبّیک
انّ الحمد والنّعمة والملک لک لا شریک لک و مستحبّات
بعد از اینها بگوید لبّیک ذا المعارج لبّیک و ذا المعارج
را بسیار بگوید مخصوص تأسّی به پیغمبر صلّی الله علیه واله و زیادات
تلبیه را در شبانک عرب عرض کرده ام مثلاً متمتّع قطع میکند
تلبیه را هرگاه رسد بجائی که بیوت مکه را ببیند ولی همان حدّی از
بیوت که در عهد پیغمبر صلّی الله علیه واله بوده و آن تا عقبهٔ مدنیین است
و سایر بیوت که زیاد شده است مستحدث است و قبل از این مقبره است.
خلاصه چون چشمش بهمان اندازه بیوت سابقه افتاد تلبیه را
قطع میکند و مشغول میشود بتکبیر و تهلیل و تحمید خداوند مثلاً روایت
شده است که هرگاه داخل بیوت مکه شود تلبیه را قطع میکند نزد ابطح

و روایت

قطعه

و روایت شده است که متمتّع قطع میکند تلبیه را هرگاه داخل حرم شود مثلاً
هر کس محرم شود از خارج مکه مثل جعرانه و شجره تلبیه را قطع میکند نزد
عروش مکّه و عروش مکّه ذی طوی است مثلاً کسیکه محرم شود
بجهة حج در تمتّع قطع مینماید تلبیه را روز عرفه وقت زوال شمس و هرگاه
قطع نماید تلبیه را بدل است تهلیل و تحمید و تمجید و ثنا بر خداوند و محمد
و همچنین مفرد قطع مینماید تلبیه را روز عرفه وقت زوال و قطع
میشود هرگاه قربانی کند مثلاً هرگاه محرم شد بجهة عمرهٔ افراد قطع
میکند تلبیه را هرگاه بیوت مکه را مشاهده نماید و روایت شده است
که هرگاه مسجد را دید قطع تلبیه میکند ~~و روایت شده است که هرگاه~~
~~مسجد را دید قطع تلبیه میکند~~ و روایت شده است هرگاه داخل شد
بحرم قطع تلبیه میکند مثلاً امّا کیفیت شعار و تقلید است آن
و چون مهیّا شد بجهة احرام نماز میکند و جامه احرام را میپوشد بهمان
تفصیل سابق مذکور شد و شتر را میخواباند هرگاه هدی او شتر باشد

وطرف چپ شتر بیایستد و حربه بر سنام شتر بزند که مجروح
شود و میگوید اللهم منك ولك اللهم تقبل منی بعد از آن
تلبیه میگوید و روایت شده است که باول قطره خون از شتر جمیع
گناهان او را بیامرزد مسئله هرگاه شتر متعدد باشد میان
دو شتر بایستد و اول از جانب راست اشعار میکند بعد از جانب
چپ و بهمین طور همه شترها را اشعار مینماید مسئله اشعار
بمنزله تلبیه است از برای کسیکه حج قران میکند و بعد از
اشعار تلبیه هم میگوید مسئله جایز نیست اشعار و تقلید
کردن پیش از آنکه مهیای احرام شود و هرگاه پیش از اشعار
یا تقلید عود کفایت نمیکند مسئله تقلید آنست که نعل
کفش کهنه که در آن نماز کرده باشد مثل قلاده بگردن شتر اندازد
و حکم آن هم مثل اشعار است مسئله هرگاه هدی او گاو
یا گوسفند باشد تقلید مینماید و اشعار نمیکند فصل

در ذکر

در ذکر چیزهائیست که محرم باید ترک کند و حکم صید حرم
و در آن چند مسئله است مسئله جایز نیست از برای محرم
صید کردن حیوانات بری و خوردن آنچه دیگری صید کرده است
بلکه جایز نیست که اشاره بحیوانی کند که دیگری صید کند و در حکم
صید است گرفتن تخم و جوجه آنها مسئله هرچه داخل حرم شده
از وحش و طیر در امان خداست جایز نیست بر محرم و غیر محرم
که او را اذیت نماید تا از حرم بیرون رود و لیکن بر محرم جایز
نیست صید کردن و اذیت بحیوان نمودن چه در حرم و چه در
غیر حرم مسئله جایز نیست از برای محرم خوردن صیدی که چه
محل در غیر حرم صید نموده باشد و ذبح کرده باشد و لیکن جایز است
بر کسیکه محرم نیست که از آن صید در حرم بخورد و هر حیوانی را
که در حرم ذبح کرده باشند چه در حال احرام چه غیر احرام از برای

مُحل و مُحرم هر دو حرام است و آن بمنزلهٔ میته است مسئلة
هرگاه مُحرم حیوانی را در حرم ذبح نماید باید در خاک دفنش کند مسئلة
روایت شده است که هرگاه سبُعی از سباع طیر کبوتر حرم را بزند
او را بکشند و هر چه از سباع گرفته باشند و داخل حرم نمایند
جایز است بیرون بردن آنها مسئلة جایز نیست صید کردن
کبوتر حرم اگر چه از حرم بیرون رود مسئلة در روایتی
نهی فرموده اند از صید کردن ملخ و کشتن آن و خوردن آن
در حرم و در روایتی میفرمایند ملخ از بحر است مسئلة باکی نیست
از خوردن ماهی خواه تازه باشد و خواه شور مسئلة هر مرغی که
در دریا تخم میکند و در خشکی میچرد آن از صید بحر است و هر چه گاهی
در بر است و گاهی در بحر سزاوار نیست بر مُحرم که او را بقتل رساند
و اگر او را کشت باید جزا دهد مسئلة جایز نیست بر مُحرم خوردن

مرغ آبی

مرغ آبی مسئلة مرغی که صیدش جایز نیست آن مرغی است
که پرنده است و امّا مرغهائی که نمیپرند مثل مرغ خانگی و امثال
آن جزو صید حساب نمیشوند و جایز است قتل آنها مسئلة
هرگاه با انسان صیدی باشد مُحرم نمیشود تا آنکه از ملک خود خارج
کند و امّا هرگاه در زاد خود گوشت صیدی داشته باشد بر او ضرر
ندارد و اگر وحشی شکار کرده باشد مسئلة جایز نیست کشتن شپش در
حال احرام و هرگاه او را اذیت نماید میاندازد او را یا از جا بجا
میکند و این بهتر است و انداختنش مکروه است و امّا سایر
دوابّ ضرر ندارد انداختن آنها از جامه و بدن و جایز است
کشتن کیک و پشه هرگاه اذیت نمایند مسئلة مُحرم هرگاه
مضطر شود بخوردن صید میخورد و فدا میدهد مسئلة مُحرم با اهل
خود نزدیکی نماید چه در فرج چه در غیر آن مسئلة جایز نیست بر مُحرم
بوسیدن زن چه بشهوت چه بدون شهوت و مس کردن و نظر

کردن با او با شهوت مسئله هرگاه کسی با زن خود مجامعت نماید
در حال احرام اگر حاج است حج او فاسد میشود و هرگاه معتمر است
عمرهٔ او مسئله جایز است از برای محرم که بدون شهوت نظر بزن
خود نماید و ملازم او شود و بدن او را مس کند و او را از کجاوه
پائین آورد مسئله جایز نیست از برای محرم که خود تزویج نماید
یا برای محل زنی عقد کند یا خطبه کند یا شاهد عقد شود و هرگاه
عقد زنی را بست باطل است مسئله محرم هرگاه با علم بحرمت
زنی نکاح کند برای خود میانهٔ ان در تفریق میکنند و حرام ابدی
میشود مسئله جایز است از برای محرم خرید و فروش کردن کنیزان
و طلاق دادن زن مسئله حرام است بر محرم طیب استعمال
کردن و خوردن غذائی که در ان طیب است و سزاوار است
که هرگاه بوی خوشی باشد بینی خود را بگیرد و که استشمام نکند و هرگاه
بوی بدی باشد بینی را نگیرد زیرا که بر محرم روا نیست که لذت برد

از

از چیزی و روایت شده است که اگر طیبی استعمال کرد یا خورد غذا را
اعاده میکند مسئله آنچه حرام است از اطیاب بر محرم چهار چیز است
مشک و عنبر و زعفران و ورس و آن چیزیست شبیه بزعفران
که جامه بآن رنگ میکنند و قرمز و سیاه میباشد و در روایتی
از چهار یکی را عود شمرده اند ولی مطلقا استعمال همهٔ اطیاب
بر محرم مکروه است مسئله جایز نیست بر محرم استعمال زعفران
مطلقا چه تنها و چه مخلوط در چیزی باشد چه در خوردن و چه در غیر آن
حتی اینکه جایز نیست پوشیدن لباسی که با زعفران رنگ شده
باشد مسئله هرکس جامهٔ احرام او بوی عطر گرفته باشد آنرا بباد
میاندازد تا بوی آن تمام شود یا میشوید مسئله حکم زنان هم در
استعمال طیب مثل مرد است بدون تفاوت مسئله در وقت
اضطرار جایز است استعمال کردن طیب مثل اینکه در دوائی باشد

ولابد باشد از خوردن آن یا مرضی داشته باشد که لابد شود
از استشمام طیب و امثال این مقامات مسئله باکی نیست استشمام
روایح طیبه در بازار عطاران میان صفا و مروه و نباتات بیابانی را
گرفت که بو نشنود مسئله باکی نیست هر گاه آلوده شود لباس محرم
بخلوق کعبه و خلوق قبر پیغمبر صلی الله علیه و اله و همچنین اگر
هر گاه زعفران از کعبه بلباس او برسد مسئله ضرر ندارد اگر محرم
که لباس خود را بشوید هر گاه خلوقی و طیبی بآن برسد مسئله
باکی نیست استشمام بوی اذخر و قیصوم و امثال آنها از چیزهایی که
معطر نیست ولی از بوی ریاحین احتراز کند مسئله هر گاه بخواهد
میوه بخورد که معطر است مثل سیب و ترنج بینی خود را بگیرد و بخورد
مسئله مکروه است شستن دست با صابون یا اشنانی که معطر
باشد بغیر مشک و عنبر ولی هر گاه مشک یا عنبر دخالت داشته باشد

احتراز باید

احتراز باید بکند مسئله مکروه است بزن خضاب کردن بحنا
در دست و مو هر گاه بخواهد محرم شود مسئله مکروه است بر محرم
بر تشک و مخده و متکای زرد بخوابد و شاید مراد زردی باشد
که از زعفران یا ورس است مسئله جایز نیست بر کسیکه اراده
احرام دارد که بروغنهای خوشبو تدهین نماید در صورتی که ابدا
بوی آن بیرون نمیرود و اما هر گاه چنین بداند که بوی آن باقی
نماند ضرر ندارد مسئله جایز نیست بر مرد و زن سرمه سیاه
کشیدن مگر بجهة مرضی و همچنین جایز نیست کشیدن سرمه
که مشک و عنبر و زعفران یا چیز معطری داشته باشد و اما
غیر آنها جایز است نه محض زینت بلکه بجهة معالجه و هر گاه
چشم او خراب شود سرمه غیر معطر بچشم بکشد مسئله
جایز است بجهة حاجت دوا یا سرمه بچشم کند و روی چشم را

ببندد مسئله جایز نیست بر زن نظر کردن در آیینه بجهت زینت
مسئله جایز است از برای محرم پوشیدن طیلسانی که تکمه داشته
باشد ولی عمداً بر آن تکمه نبندد و طیلسان لباس عجمی است
بر دوش میاندازند و همهٔ بدن را میگیرد و آستین ندارد مسئله
جایز نیست بر محرم پوشیدن لباس تکمه دار و پیراهن و شلوار
مگر وقتیکه لنگ نداشته باشد و نه چکمه مگر در صورتیکه کفش نداشته
باشد و اگر محتاج شود بجامهٔ تکمه دار دامان آنرا بدوش میاندازد
و یخه آنرا پایین میکند و در قبا روایت شده است که پشت و رو
هم میکند و دست در آستین آن نمیکند مسئله هرگاه محتاج پیراهن
پوشیدن شود پایین آنرا بر دوش میاندازد مسئله هرگاه محتاج بچکمه پوشیدن
شود پشت آنرا پاره میکند که پشت پا بیرون باشد مسئله
هرگاه در حال احرام پیراهن پوشید آنرا چاک میزند و از قدم خود
بیرون میاورد

بیرون بیاورد نه از سر و هرگاه قبل از تلبیه جامه پوشیده
باشد از سر بیرون بیاورد و بر او حرجی نیست مسئله
جایز است پوشیدن جوراب در حال اضطرار مسئله روا نیست
بر محرم که جامهٔ خود را گره دهد و بر گردن اندازد ولی دو سر جامه را
بدون گره بر گردن بیندازد مسئله لنگ را بهر طور بخواهد می بندد
ولی کاری در آن نکند که عرفاً آن را لنگ نگویند و بهتر است که
بطریق معمول نزند و در جای بستن لنگ دستمال یا ریسمانی
نمی بندد بلکه خود لنگ را می بندد مسئله جایز است کمربندی
که در آن نفقهٔ اوست بجهت حفظ بر کمر بندد مسئله جایز است انگشتر
بدست کردن محض استحباب نه زینت و سلاح با خود داشتن اگر
از دشمن یا دزد بترسد مسئله جایز نیست بر محرم پوشیدن سر
و دستمال بستن بکر بجهة دردسر مسئله زن محرم روبند برو نزند

ولی چادر خود را از بالای سر پائین میکشد تا نزدیک ذقن
و هرگاه سوار باشد تا گلوی خود میکشد و اگر مردی بر او بگذرد
با چادر روی خود را میگیرد و روی از آفتاب نمیگیرد مسئله
زن محرم زینت نمیکند و جامه که با زعفران رنگ شده نمیپوشد
و از طیب احتراز مینماید و روایت شده است که همه زیوری با خود
میگیرد بکمر گوشواره و قلاده مسئله محرم در وقت خواب و هرگاه
غباری باشد که او را اذیت کند روی خود را میپوشد تا زنخ
مو و سر خود را نمیپوشد ولی مکروه است که از بینی خود بالاتر را
بپوشد مسئله محرم بجهة حفظ از باد و گرما سر و گوش خود را نمیپوشد
و هرگاه فراموش کرد و پوشید بعد که متذکر شد جامه را از سر
میکند و تلبیه میگوید و روایت شده است بدست خود مسکین طعام
میدهد مسئله محرم سر خود را زیر آب نمیکند مسئله محرم

بر سر خود سایه نمیاندازد و بدون ضرورت در محمل سوار نمیشود مگر
اینکه سقف و پیش آنرا بردارد مگر در صورتیکه مریض باشد
و از آفتاب بترسد مسئله جایز است برای زنها کجاوه سوار شدن
و روپوش آنرا انداختن مسئله جایز است بر محرم در سایه محمل راه
رود یا در سایه دیوار بنشیند مسئله جایز است در وقت اذیت کردن
آفتاب بعض بدن خود را با بعض دیگر بپوشد مسئله مکروه است
بر محرم حجامت کردن مگر اینکه لابد شود و اگر حجامت کرد جای
آنرا نتراشد مسئله هرگاه محرم ناخوش شود دوا و غذائی را استعمال
کند که در حال احرام جایز است استعمال آنها و همچنین اگر جراحت
یا دمل دارد و مرهم بر آن میگذارد و معطر نباشد و اگر محتاج
بدوائی شود و در آن زعفران باشد اگر زعفرانش از سایر دواها
کمتر است استعمال مینماید مسئله جایز است بر زخم و دمل دستمال بستن

و فشردن دمل بجهة اینکه چرک بیرون آید مسئله جایز نیست
تراشیدن سر و زیر بغل تا بدی خود را زیج نماید و اگر از روی جهت یا
نسیان تراشید باکی نیست مسئله سزاوار است محرم بدن خود را
بسیار آرام بخاراند مبادا جراحت شود یا موی بیفتد یا
قمله اذیت بکشد مسئله محرم جامه نجس نپوشد و اگر بجامه او
جنابت رسید میشوید و میپوشد مسئله مکروه است محرم شده
در جامه کثیف و بجهة چرک جامه خود را بعد از احرام نشوید
مسئله مکروه است پوشیدن جامه سجاف دار و بر زبان عیب
ندارد مسئله باکی نیست محرم شدن در جامه پنبه دار یا پشم آن
مسئله حرام است در احرام جماع و دروغ گفتن و فحش دادن
و قسم خوردن بقسم خدا اگرچه راست باشد و باید احتراز کند
از اینکه بر دیگری افتخار نماید و کمال احتراز از معاصی نماید مسئله

بزاز

خوب نیست محرم کلام قبیح بگوید مسئله باکی نیست تأدیب بنده
در حال احرام تا ده تازیانه نه زیادتر مسئله باکی نیست مسواک
کردن و خلال نمودن بطور ملایمت که گوشت دندان خون نشود
مسئله باکی نیست بر محرم که غسل نماید و آب بر سر خود بریزد و موی
خود را با انگشت پیش و پس میکند بطور ملایمت مسئله باکی نیست
بر محرم حمام رفتن ولی کیسه بر بدن خود نمیکشد مسئله خوب
نیست در حال احرام شستن سر با خطمی مسئله محرم موی بدن را نمی چیند
مسئله محرم ناخن خود را نمیگیرد اگرچه بلند شود مگر اینکه اذیتش نماید
و عوض هر ناخنی یک قبضه طعام بمسکین میدهد مسئله جایز است
بر محرم شتر خود را نحر کند و گوسفند ذبح کند و جایز است علف
از برای گوسفند خود بکند از درختانی قبل از آنکه داخل حرم شود ولی
بعد از آنکه داخل حرم شد از درخت حرم برگ نمیکند مسئله

مکروه است بر محرم ماده اکه محرم است جواب کسی را لبیک بگوید
بلکه در جواب بگوید یا سعد مسئله محرم هرگاه بمیرد دوای
او را بپوشند و غسل بدهند و کفن میکنند مگر اینکه طیب را نزدیک
او نمیکنند فصل در کفارات صید است و در آن چند
مسئله است مسئله محرم صید شان کسی نمیدهد که شکار
کند اگر داد باید فدا دهد مسئله محرم اگر شکاری کند خواه جاهل
باشد یا عالم بعمد باشد یا خطا باید فدا دهد مسئله محرم و اگر
در غیر حرم شکاری کند قیمت آنرا بدهد و اگر در حرم شکار نماید
دو بالا فدا بدهد مسئله محل هرگاه در حرم شکار کند قیمت
آنرا بدهد مسئله محرم اگر تیر بیک شکار بزند دو شکار افتد
دو کفاره باید بدهد مسئله هرگاه محرم بر حیوانی کام بگذارد
یا شتر خود را از روی آن عبور دهد که کام بر آن بگذارد باید فدای
آنرا بدهد

آنرا بدهد و در روایتی است که اگر شترش بدون اختیار او هم
در حال سواری کام بر چیزی بگذارد باید فدا دهد مسئله هرگاه
جمعی در حال احرام شکاری همراه بکنند یا آنکه همراه از شکاری
بخورند هر یک باید قیمت آنرا بدهند مسئله هرگاه جمعی در حال احرام چند
بچه شترمرغ بشرکت بگیرند و ذبح نمایند و بخورند بعد خود شان
و بعد و مرغان شتر بخرند و فدا بدهند و اگر یک از ایشان
قادر نباشد بر شتر خریدن عوض هر شتری که بر ذمه او است
هجده روزه بگیرد مسئله اگر جمعی بشرکت صیدی بخرند و بخورند
هر یک گوسفندی فدا دهند مسئله اگر محلی و محرمی در حرم با هم
صیدی نمایند محرم فداء کامل بدهد و محل نصف فدا بدهد
و اگر در غیر حرم باشد بر محل چیزی نیست مسئله هرگاه دو محرم با هم
تیر انداختند و از یک خطا شود و تیر یک بخورد هر دو فدای صید را باید

بدهند مسئله بنده هرگاه باذن مولای خود محرم شود هر جنایتی
نماید فداء یا کفاره بر مولای اوست مسئله هرگاه کسی تیر اندازد
بصیدی و صید بحرم داخل شود گوشت او حرام است مسئله
محرم هرگاه در غیر حرم یک شاخ آهو را بشکند ربع قیمت آنرا باید
صدقه بدهد و اگر هر دو شاخ آنرا بشکند نصف قیمت آنرا صدقه
میدهد و اگر هر دو چشم او را کور کرد تمام قیمت آنرا باید بدهد
و اگر یک دست یا یکپای آنرا شکست نصف قیمت آنرا میدهد
و اگر او را کشت چه باین صدمها چه بغیر تمام فدا را میدهد و اگر یکی
از این اعمال را بجا آورد در حرم این قیمت را میدهد و گوسفندی
هم ذبح مینماید مسئله هرگاه محرم با هوئی تیر انداخت و بدست او
خورد و اگر پیش روی او راه رفت بر آن دست و چه اگر دیگر او خبری
نیست و اگر فرار کرد و او را ندید و در حال فرار کردن شاهده

ننمود

ننمود که دست خود را بالا گرفته است باید فدا دهد و در روایتی
میفرماید که اگر بر دست خود راه هم برود باید ربع قیمت را بدهد مسئله
هرگاه کسی در حال حرام در حرم مرغی صید نماید و آنرا بر زمین زند
تا بمیرد دو قیمت باید بدهد مسئله جزای هر صیدی در حرم مضاعف
میشود مگر اینکه جزا شتری باشد از آن بالا نمیرود و مضاعف نمیشود
مسئله اگر کسی صیدی بخطا نماید کفاره میدهد و هرگاه مجدد صید نماید
بخطا باز کفاره میدهد و ابداً حکم خاطی همین است ولی متعمد و قصد
اول کفاره میدهد و اگر ثانیاً شکار کرد بر او کفاره نیست و عقاب
او در آخرت است مسئله هرگاه کسی ذبح نماید کبوتر حرم را کفاره
میدهد و اگر بعد از ذبح بدن او را بیرون انداخت فدای دیگری
میدهد زیرا که واجب است آنرا دفن نماید فصل در تعیین کفارات
و قیمتهاست و در آن چند مسئله است مسئله جوجه مرغ

شترست و در روایتی گاو فرموده اند و احوط اینست که شتر
بدهد و جزای حمار وحشی و گاو و امثال آنها بقرست و جزای
آهو گوسفندست و در بچه کبوتر و اشباه آن گوسفندبچه میدهد
و در کبک و دراج و امثال آنها گوسفند یکساله و در تیهو و گنجشک
و صعوه و امثال آنها قیمت آنرا بدهد و در هر مرغ بزرگی گوسفند
بدهد و در جوجه آنها بزغاله یا حمل که از شیر گرفته شده باشد میدهد
مسئله محرم در حرم باید مضاعف بدهد اگر در حرم شکار
کرده است مسئله مجمل حکم اینست که قیمت سایر مرغان غیر از بچه
معین شد یک درهم است و قیمت جوجه نصف درهم و قیمت بیضه
ربع درهم و بعضی از علما فدای هر مرغی را مطلقا گوسفندی
دانسته اند و سایر حیوانات هر یکی باندازه خوردش شتر او را
بدهد مسئله محل ذبح در خطا اگر در عمره کرده است در مکه است

برابر خانه در جای معینی و هرگاه در حج کرده در منی مسئله
هرگاه کسی مقدورش نباشد که در مکه ذبح نماید و قیمت به خانه خود
برگشت ذبح میکند مسئله هرگاه جزای صید از حیوانات بدست
نیاید هرچه بر ذمه اوست از شتر و گاو و گوسفند قیمت میکند
و بقیمت آن گندم میخرد و بهر مسکینی یک مد میدهد تا شصت
مسکین و اگر میسرش نشود بجای هر مد یک روز روزه میگیرد و این است
طریق احتیاط و از قرآن چنین ظاهر میشود که هر یک از کفارات
ثلاثه را که بخواهد اختیار میکند والله اعلم مسئله اگر قیمت شتر
از طعام شصت مسکین زیاد باشد تا شصت نفر میدهد مسئله

فصل

هرچه فرموده اند صدقه باید بدهند باید در مکه و منی دهند
در کفارات تمتع بردن از زینهات و در آن چند مسئله است
مسئله جایز نیست بر مرد محرم و زن محرمه عقد بندد و اگر

عالماً چنین کاری کرد و محرم با زن نزدیکی نمود هر یک شتری
بدهند و زن هم شتری میدهد هرگاه محرم باشد و هرگاه محل هم
باشد و بداند که مرد محرم است شتری میدهد و الا چیزی بر او نیست
مسئله هرگاه محرم از روی جهل یا فراموشی یا سهو مواقعه نماید
بر او چیزی نیست مسئله هرگاه از روی علم جماع نماید شتر بر کسی
فدا بدهد و هرگاه قبل از وقوف در مشعر است علاوه بر فدا
حج او هم فاسد است و باید سال آینده حج نماید و میان
او و زوجه اش از آن مکان که جماع کرده است تفریق
مینمایند تا دوباره بآنجا برسند در برگشتن یا بمعنی
که ثالثی با آنها باید باشد و هرگاه سال دیگر حج نمایند
از همان مکان که سال پیش مواقعه کرده اند باید میان
آنها را جدا میکنند بهمین وجه تا باز برگردند بهمان
مکان

مکان و هرگاه از آن اثر بگردند چه در سفر اول چه سفر
بعد بعد از قضای مناسک باهم جمع میشوند و شاید تفریق
کردن تا آن مکان محض استحباب باشد و روایت شده است که اگر
شتر ندارد گوسفندی میدهد مسئله هرگاه کسی زوجه خود را
اکراه نماید بر جماع دو شتر باید بدهد و اگر هر دو راضی باشند
هر یک شتری باید بدهند و اگر قادر نباشد بر شتر روایت شده است
به شصت مسکین اطعام میکند و اگر قادر نیست هیجده روز روزه
میگیرد و بر زن هم همان کفاره بهمین وجه واجب است مسئله
شخص متمتع اگر قبل از طواف و سعی جماع نماید باید شتری بدهد و همچنین
هرگاه بعد از طواف قبل از سعی جماع کند و باید یکماه توقف نماید
تا در ماه ثانی عمره بجا آورد و هرگاه بعد از ادای مناسک قبل از تقصیر
مواقعه نماید شتری باید بدهد مسئله حاج هرگاه قبل از تقصیر جماع نماید

جاهلاً بر او چیزی نیست و هرگاه عالم باشد شتری یا گاوی میدهد
و روایت شده است که گوسفندی میدهد و هرگاه ببوسد زن خود را
بدون وقاع گوسفندی باید بدهد مسئله هرگاه قبل از آنکه بمزدلفه
آید یا در همان حین جماع نماید حج او فاسد میشود و شتری هم میدهد
و اما هرگاه بعد از وقوف است حج فاسد نمیشود ولی شتر میدهد
مسئله هرگاه مرد تقصیر کرده باشد و جماع نماید قبل از آنکه زن
تقصیر کرده باشد مرد شتری بجهة زن کفاره میدهد مسئله
هرگاه همه مناسک را بجا آورده باشد الا طواف نساء
آنگاه جماع نماید هرگاه عالم باشد و با بضاعت باشد شتری
میدهد و اگر متوسط است گاوی میدهد و اگر فقیر باشد گوسفندی
میدهد و هرگاه از روی جهل بوده است گاوی چاق میدهد مسئله
اگر در اثناء طواف نساء جماع نماید اگر پنج شوط طواف کرده

بر او چیزی نیست وضو میسازد و طواف را تمام میکند و استغفار
مینماید و اگر کمتر طواف کرده است طوافش فاسد است اعاده
می‌نماید و شتری هم میدهد مسئله هرکس قبل از طواف فریضه جماع
نماید بر او است شتری و اگر در اثناء طواف جماع نماید غسل مینماید
و طواف را اعاده میکند و استغفار هم میکند و شتری هم میدهد
مسئله هرگاه چهار شوط سعی مابین صفا و مروه کرده باشد
آنگاه جماع نماید غسل میکند و سعی خود را تمام میکند و استغفار
مینماید و بر او چیزی نیست مسئله هرکس با اهل خود ملاعبه نمود
هر قسم ملاعبه باشد تا انزال نماید بر هر دو کفاره است مثل کفاره
جماع مسئله اگر کسی بغیر اهل خود نظر نماید و انزال نماید بر او است
شتری یا گاوی و اگر ممکنش نشود گوسفندی میدهد و شاید کافی
برای متوسط باشد و اگر انزال ننماید بر او چیزی نیست و باید استغفار
کند مسئله اگر مرد طواف نساء کرده باشد و زن خود را

بوسه قبل از آنکه زن طواف نساء نماید کوسفندی باید بدهد مسألة
هر گاه زن خود را بغل بگیرد یا بدن او را بشهوت مس نماید
و منی از او جدا شود بر او است خونی که بریزد مسألة هر گاه
بوسه زن خود را قبل از تقصیر بر او است خونی که بریزد و اگر
هیچیک تقصیر نکرده اند بر هر یک خونی است مسألة اگر محرم
زن خود را بوسه بدون شهوت کوسفندی میدهد و اگر با شهوت
بوسه و منی از او جدا شود کاوی میدهد و استغفار میکند و اگر
با شهوت مس نماید زن خود را کوسفندی میدهد و اگر با شهوت
نظر نماید بان و منی از او جدا شود کاوی میدهد مسألة
هر گاه استمنا نماید در حال احرام بر او است شتری و سال آینده
حج نماید فصل در ذکر کفارة سایر محرمات و در آن
مسائل است مسألة کفارة فسوق استغفار است و تلبیه
کفتن ورو

گفتن و روایت شده است یک کف طعام هم میدهد مسألة
مستحب است در سباب و فسوق کاوی ذبح نماید مسألة
مجادله اینست که قسم بنام خدا بخورد و تا دو قسم اگر راست
باشد کفاره ندارد و اگر سه قسم راست خورد کوسفندی
میدهد و اگر یک قسم دروغ بخورد کوسفندی میدهد و اگر
دو قسم دروغ خورد شتری میدهد مسألة هر گاه دو محرم با هم
مقاتله کنند هر یک کوسفندی میدهند مسألة اگر محرمی
جامه بپوشد که بر او روا نیست اگر جاهل است یا ناسی بر او چیزی
نیست اگر عالم است و عامد کوسفندی میدهد مسألة
اگر بانواع اقسام لباس محتاج شود بر هر صنفی فدائی میدهد
مسألة اگر زن محرم در آینه محض زینت نظر کند کفاره اش
تلبیه گفتن است مسألة محرم اگر سر خود را بپوشد ناسیاً جامه را

و اگر سه قسم دروغ خورد کاوی میدهد

از سر در میکند و تلبیه میگوید و اگر عمداً سر خود را پوشید مسکینی را
بدست خود طعام دهد مسئله هرگاه سایه بر سر خود اندازد در وقت
راه رفتن بجهت حفظ از باران یا آفتاب یا مرضی گوسفندی میکشد
و اگر شقیقه دارد و نتواند در آفتاب سیر کند سایه بر سر اندازد
و عوض هر روزی مُدّی از طعام صدقه میدهد چنین روایت شده است
و بهمان ظاهر حدیث ما میگیریم و محتاج بتأویلات الحمد لله نیستیم
مسئله اگر در عمرهٔ تمتع و حج هر دو بر سر سایه اندازد دو گوسفند
میکشد مسئله اگر تدهین نماید بروغن خوشبو جمعی از فقهاء فرموده اند
که باید کفاره دهد و در روایت مضمری روایت شده است که باید گوسفندی
دهد اگر از روی علم و عمد بوده و الّا بمسکینی طعام دهد و طریق
احتیاط آنست که کفاره دهد اگر فی علم به کفاره دارد محبوب متشدد
و الّا صدقه است و جبر خود را دارد مسئله اگر کسی غذائی بخورد که در آن
زعفران

زعفران یا عطری باشد عامداً باید گوسفندی بکشد و اگر از روی
نسیان خورد استغفار میکند مسئله اگر ناسیاً طیب بدست خود
مالید دست خود را میشوید و تلبیه میگوید و اگر عالماً مس طیب نموده را
یا گلی بو کرد بقدر وسع خود صدقه میدهد و روایت شده است که کسی مس طیب
استغفار است مسئله اگر کسی زیر نعل خود را یا سر خود را احتراز شبیه
بر او است گوسفندی که بکشد مسئله اگر سر او اذیتی داشته باشد
شپش یا که صدمه خورده باشد یا قمل کرده باشد از زیادتی موی کشف
یا مریض شده باشد سر خود را تیز تراشیده فدیه میدهد یا بروزه گرفتن سه
روز یا صدقه دادن بده مسکین که همه را سیر کند یا گوسفندی که ذبح
کند و بمساکین دهد و در روایتی شش مسکین فرموده اند و مقدار
صدقه موافق روایتی نصف صاع است و در روایتی صاعی از تمر است
مسئله اگر کسی دست بر سر یا ریش خود گذارد و یکمو افتاد یک کف

کفّاره

دهد کف از طعام صدقه میدهد و اگر چهار دو دست مالیدن بریش
نماید و موهای متعدد بیفتد یکدرهم خرما میخرد و صدقه میدهد ولی
اگر بجهة اسباغ وضو دست بریش بماله و موا ازان بریزد بر او
چیزی نیست مسئله هرگاه یک ناخن خود را بگیرد یک مد طعام میدهد
و اگر دو ناخن گرفت دو مد و همچنین عوض هر ناخنی مدی طعام
صدقه میدهد تا بده انگشت رسد اگر همه ده انگشت دست خود را
گرفت گوسفندی میکشد و اگر انگشتان پارا هم بگیرد و اگر انگشت
دست و پا هر دو را در یک مجلس گرفت بهمان یک گوسفند
اکتفا میکند اگر در دو مجلس گرفت دو گوسفند میدهد مسئله
اگر قمله بکشد مستحب است یک قبضه طعام بدهد مسئله اگر کسی از درخت
حرم چیزی بکند باید قیمت آنرا بدهد مگر درختهای میوه دار که میوه
آنها را میکند فصل در بیان حکم ذبح فدیها و دون اصحاب قربانات

وذکر بدل

وذکر بدل هر فدائی و در آن چند مسئله است مسئله هر جا که در
حج کند فدیه های آن سر بریدن حیوانی است در منی سر میبرد
و اگر در عمره است در مکه در منحر مسئله اگر کسی مقدورش نباشد
در مکه و منی ذبح کند جایز است وقتیکه بمنزل خود برمیگردد ذبح
نماید و شاید این حکم مخصوص بکسی باشد که بدلها را هم نتواند بجا آورد
والعلم عند الله مسئله اگر محرم صید کند و نتواند عوض و بدل حیوانش
را بدهد باید عوض و بدل قیمت میکند و بقیمت ان طعام میخرد و بمساکین
میدهد و روایت شده است به هر مسکین مدی بدهد و اگر مقدورش
نباشد عوض هر مدی روزه میگیرد و زیادتر نمیگیرد و مشهور این است
به هر مسکین نصف صاع میدهد و بجای هر نصف صاعی هم یک روزه
میگیرد و هر کس صیدی کرده است که فدای او بقره است و نتواند بدهد
بهمان وجه که مذکور شد یا طعام بخرد یا روزه میگیرد و در بدل بقره

موافق حدیث و شهرت اصحاب بنی مسکین طعام میکند و اگر
گوسفندی بر ذمّهٔ اوست و نتواند بدهد ده مسکین را طعام بدهد
یا سه روز روزه میگیرد یا برای هر مدّی روزه میگیرد مسئله
هرگاه شتر قیمت کند و بیش از قیمت طعام شصت مسکین قیمت
آن بشود بهمان شصت مسکین میدهد و بهر مسکینی مدّی و مابقی را
نمیدهد و اگر کمتر شد همان را میدهد و زیاده نمیدهد مسئله
هر چه فرموده شده است که صدقه دهند باید در مکّه و منی دهند
فصل در حکم حصار و صدّ است و کسیکه حج خود را فاسد
نماید و در آن چند مسئله است مسئله محصور آنکسی است که مریض
شود و نتواند احرام را بانجام رساند و بمکه رسد و اعمال را تمام
کند و مصدود کسی است که مشرکین یا دشمنی دیگر نگذارند او را
بمکّه رود و چنانکه رسول خدا صلّی الله علیه و آله را منع کردند مسئله
اگر

اگر کسی حجّ نماید و محصور شود هدی خود را با رفیقان خود میفرستد
و مُحل نمیشود و در مقام خود توقّف میکند تا وقتیکه بداند هدی بمحلّ خود
رسیده پس چون دانست که هدی بمحلّ خود رسیده مُحل میشود و بمنزل خود
بر میگردد و سال آینده حج میرود و باز زنان نزدیکی نمیکند تا سال دیگر
که حجّ رود و حجّ زنان بجا آورد مسئله هرگاه هدی با خود ندارد
و محصور شود روایت شده است در همانجا ذبح میکند و بر میگردد
و اگر نداشته باشد روزه میگیرد بدل هدی مسئله مصدود سال بعد
حجّ میرود و لیکن بر او جایز است موقع آن مسئله اگر کسیرا سلطان
مکّه نگذارد و بیرون رود در صورتی که حج تمتّع نموده است هرگاه بعد عید
او را رها کند میرود و بجمع ملحق میشود بهمان طور که بعد مذکور میشود و اگر
روز عید بعد از ظهر او را مرخّص کند موسم حج گذشته پس طواف و سعی
بنماید و سر خود را تقصیر نماید و گوسفند خود را بکشد و اگر حجّ افراد یا عمره کرده است

و محبوس شود بر او ذبح گوسفند واجب نیست مسئله اگر محصور نحر هدی که
در حج است در منی است روز عید و اگر در عمره است در مکه است
پس شخص محصور نحر هدی را در حج وعده عید قرار میدهد و همینکه آن ساعت
شد وعده قرار داده است محلّ میشود و وعده هدی عمره را روز
خاصی قرار میدهد در ساعت معلومی و آن روز و آن ساعت محلّ میشود
و اگر رفقا آن روز هدی او را نحر کرده باشند بر او ضرر ندارد مسئله
شخص مصدود هدی خود را در همانجا که مصدود شده ذبح میکند و بمنزل
بر میگردد مسئله هرگاه مُحرم شود بجهت عمره بجا آوردن و سر او درد گیرد
و نتواند عمره خود را بجا آورد شتری نحر میکند و سر خود را میتراشد و بعد از آن
شفا یافت باز عمره بجا بیاورد و زن بر او حلال نیست تا مجدداً
عمره بجا آورد مسئله اگر کسی در حج مستحبی محصور شود شتری نحر میکند
و بر میگردد و روایت شده است که اگر خواسته باشد سال دیگر حج میکند
و الا فلا

و الا فلا ولی احتیاط در آنست که خود حج نماید و بعد نزدیکی با زنان
کند و اگر مقدورش نباشد نایبی بگیرد که طواف نساء بنیابت او نماید
مسئله هر حاجی که بحج رود چه متمتع باشد چه قارن چه مفرد و حج از او
فوت شود این عمل را عمره قرار میدهد و سال دیگر حج میکند و از همان
مکان که سال گذشته مُحرم شده محرم میشود بهمان قسم حجی که سال اول خیال
داشته است مسئله اگر کسی بعرفه و جمع هیچیک نرسید حج از او
فوت شده است طواف میکند و سعی مینماید و حج او عمره مفرده میشود
بعد میخواهد با مردم بمنی میرود و میخواهد بمنزل خود بر میگردد مسئله
مشهور آنست که اگر کسی در همان سال استطاعت مکه رود و حج از او
فوت شود عمره قرارش میدهد و حج را قضا نمیکند و اگر آن سال
رفته است و حج بر ذمه او بوده است سال دیگر حج میرود مسئله
مشهور آنست که اگر کسی حج استحبابی نماید و حج از او فوت شود
واجب نیست

های دیگر حج نماید فصل در آداب دخول حرم است و مکه و رفتن
چند سالهاست مسئله مستحب است بجهت دخول حرم غسل نماید
و کفشهای خود را بکند و ساعتی پا برهنه راه رود مسئله مستحب است
وقت دخول حرم اذخر مضغ کند مسئله نیز مستحب است آنکه
داخل مکه نشود مگر با طهارت و غسل نماید بجهت شستن عرق و کثافت
از بدن خود پس هرگاه بچاه میمون یا چاه عبد الصمد رسید غسل میکند
و کفش خود را میکشد و پا برهنه با سکینه و وقار راه میرود و اول
بخانه خود میرود و بعد میرود در مسجد الحرام و طواف میکند مسئله
مستحب است از بالای مکه از عقبه مدنیین داخل شود و از ذی طوی
که سفلی مکه است بیرون رود مسئله مستحب است وقت دخول
مکه جامه‌های کهنه بپوشد و با خضوع و خشوع داخل شود و محرم باشد
جامه احرام را میپوشد و رخت در بر میکند مسئله در حرم و مکه اسلحه
خود را ظا

خود را ظاهر نمیکند بلکه در بار خود پنهان میکند یا در جلد و غلاف
میکند که پنهان باشد مسئله مکروه است بعد از بلند شدن روز
از مکه بیرون رود قبل از نماز مسئله فضل توقف در مکه
و عبادات در آن بسیار است محض رعایت اختصار ترک نمودیم
ذکر آنها را مسئله مستحب است داخل مسجد شدن از باب
بنی شیبه مسئله مستحب است مسواک کردن بجهت نزدیکی کعبه
مسئله مستحب است نماز بسیار کردن در حجر اسمعیل بقدر دو
ذراع پهلوی آن از طرف خانه و بعد از نماز تحت میزاب رحمت
دعا میکند و اگر مقدور باشد همه نمازهای مفروضه و مسنونه را
نزد حطیم بکن که از همه بقاع زمین فضیلت است مسئله از ادا
نیت برجهدی و از خاک طرف کعبه بگیرد و از مسجد بیرون
آورد و اگر بیرون آورد پس ببرد مسئله مستحب است در ایام تشریق

بپردهٔ کعبه بچسبد و دعا و طلب حاجت بخصوص نزد مستجار

مسئله مکروه است با ادب در مسجد نشستن مسئله آب زمزم

شفای هر دردی است از آن بشفا بجوید و در وقت آشامیدن

بگوید اللّهم اجعله علماً نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاءً من

داءٍ آمین منسک ثانی در طواف خانهٔ خداست و بعضی احکامی که

متعلق بآنست و در آن چند فصل است فصل در وجوب

طواف است در حج و عمره و در آن چند مسئله است مسئله طواف

فریضه است در حج و عمره و هر کس آنرا ترک نماید از روی عمد و علم بآن

که حج یا عمره را اعاده نماید و کفاره هم بدهد و هر کس از روی جهل طواف

نکند اعاده نماید و شتری نحر میکند مسئله طواف خانه هفت

شوط است جایز نیست بر آن زیاد کنند یا از آن بکاهند مسئله

جایز نیست برهنه طواف کردن مسئله جایز نیست زنی که با روی بند

طواف نماید در طواف حج و عمره مسئله جایز نیست طواف واجبه

در حال جنابت یا بی وضو نماید و اگر چنین کاری کرد طواف و نماز

طواف را اعاده مینماید و لیکن طواف مستحبی را بی وضو میتوان کرد

ولی مکروه است اما بجهت نماز طواف وضو میگیرد مسئله اگر

کسی در اثنای طواف از او حدثی سر زد وضو میگیرد و تتمه طواف را نصف

تا هفت شوط تمام میکند و اگر قبل از نصف است باید

وضو میگیرد و اعاده مینماید مسئله اگر کسی در جامهٔ نجس طواف

کرد و بعد ملتفت شد طواف او صحیح است ولی نماز در آن

جامه نمیکند بلکه آنرا میکند و جامهٔ طاهر میپوشد مسئله

اگر کسی در اثنای طواف خون از بینی او آید یا در جامهٔ خود خونی

دید همان موضع را نشان میکند و میرود و خود را طاهر میکند و بر میگردد

از همان موضع طواف میکند تا هفت شوط تمام شود مسئله

شخصی که ختنه نشده است طواف بخانهٔ خدا نمیکند مسئله
کیفیت طواف اینست که از محاذی حجر الاسود بنای طواف
بگذاری بطرف چپ یعنی کعبه را بطرف دست چپ اندازی
و بقدر فاصله مابین بیت و مقام ابراهیم میان خود و خانه
فاصله بگذاری و طواف میکنی تا هفت مرتبه بحجر برسی تا هفت مرتبه
و سزاوار است در هر مرتبه دست بر حجر بمالی و تبرک بجوئی
و حجر را ببوسی اگر میسر شود و الا اشاره میکنی بطرف حجر
با دست یا چوب چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود مسئله
طواف حجر سمعیل از طواف خانه نیست ولی آنرا هم داخل میکند در حوزهٔ
طواف خود مسئله جایز است که زنان را بجهة بوسیدن و دست مالیدن
بحجر در گاه و بیگاه بگذارند هرگاه جمعیت زیاد باشد ولی اطراف
را بپای خود میکند مسئله اگر کسی دیگری را طواف میدهد اگر

[illegible]

بچه را طواف دهد یا بیماری را و خود هم نیت طواف کند در
خودش هم حساب میشود مسئله جایز است سواره طواف کردن
چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود مسئله بچه را که از اطراف مکه
و از جانب او سنگ جمره میاندازند ولی اگر طفلی زور خود
تواند کند نسبت باو تکلیفی نیست مسئله مستحب است در حال طواف
دعا خواندن و صلوات فرستادن و قرآن فضل از دعا است
و صلوات هم فضل از دعا است و چون از رکن یمانی تجاوز نمائی
و رو بحجر الاسود روی تکبیر میگوئی و صلوات میفرستی و سلام
بر پیغمبر میکنی زیرا که در همین موضع ملکی است که سلام ترا بان بزرگوار
میرساند مسئله سزاوار نیست در طواف فریضه تکلم کردن
مگر بدعا و تلاوت قرآن و ذکر خداوند ولی در طواف مستحبی
سخن دنیائی میگوئی اگرچه شعر باشد مسئله طواف حج تمتع

وسعی را بعد از وقوف در عرفه و مشعر و زدن سنگ جمره
عقبه و ذبح کردن هدی و تقصیر بجا بیاورند ولی پیر مردان
و مرضی و زنی که میترسد حایض شود و کسیکه بترسد که نتواند
از منی بمکه برگردد جایز است مقدم داشتن طواف حج و سعی میان
صفا و مروه و طواف نساء بر سایر مناسک مسئله جایز است
مقدم داشتن طواف و سعی در حج افراد و قران مطلقا ولی
بعد از فراغ از نماز طواف فوراً تلبیه میگوید و همچنین جایز است
طواف مستحب کردن بر مفرد و قارن ولی باز تلبیه میگوید
مسئله در اسبوع پشت سر هم طواف نباید بکند نه فریضه و
نافله مگر اینکه میان هر هفت شوط نماز طواف بجا بیاورد و بعد
طواف کند مسئله هرگاه وقت نماز واجب باشد اول
نماز میکند بعد طواف مینماید و اگر در اثنای طواف وقت فریضه

برسد

برسد جایز است طواف را قطع نماید و نماز کند و بعد
تتمه طواف را بانجام میرساند و همچنین اگر ترسد که
وتر فوت شود نماز وتر را بجا بیاورد و بعد طواف را
تمام میکند مسئله هرگاه میان طواف یا سعی خسته شود
قدری می‌نشیند و استراحت میکند پس طواف یا سعی را
تمام میکند مسئله مستحب است اقرار بگناهان نزد ملتزم
و استغفار کردن و خود را چسبانیدن بآن مقام و ملتزم
برابر باب است در پشت کعبه بعد دست بر کعبه بمالد
از پشت سر و اگر فراموش نماید بر او حرجی نیست مسئله
مستحب است بوسیدن رکن یمانی و گذاردن صورت را بر آن
و ملتزم آن شدن و دعا خواندن مسئله مستحب است
دست مالیدن و بوسیدن همه ارکان فصل

در حکم سعد و رزن است در طواف و در آن چند مسئلست
مسئله جایز است مریض را حمل نمایند بجهة طواف اگر قادر
نباشد و لیکن مستحب است که پای خود را بر زمین بکشد و لیکن
در هر شوطی نتوانکن بمانند او را بر زمین میگذارند و دست بر زمین
میکشد مسئله اگر قادر نباشد از شدت مرض برای آنکه
او را حمل نمایند عوض او دیگری طواف میکند مسئله
اگر کسی در اثنای طواف ناخوش شود طوری که نتواند
طواف را تمام کند اگر چهار شوط یا بیشتر طواف کرده است
هر میکند دیگری عوض او تتمه طواف را نماید و اگر سه شوط
یا کمتر طواف کرده است تأمل میکند یکروز یا دو روز اگر
بهتر شد طواف را اعاده میکند و اگر بهتر نشد نایب میگیرد
که هفت شوط عوض او طواف کند و نماز بجا آورد

و سعی

و سعی کند بعد از تقصیر میکند مسئله اگر زن قبل از طواف
عمرهٔ تمتع حایض شود و تا روز ترویه پاک نشود مشهور میان
اصحاب اینست که حج خود را نقل بافراد مینماید یعنی بهمان احرام
بعرفات میرود و بعد از ادای مناسک طواف میکند و بعضی
اقوال دیگر هم گفته اند و روایت شده است که هرگاه بعد از احرام
قبل از طواف حایض شده است صبر میکند تا روز ترویه پس اگر
پاک شد عمره را تمام میکند و محرم میشود بجهة حج و اگر پاک نشده
غسل میکند و سعی میان صفا و مروه مینماید و بعرفات میرود
و اعمال حج بجا میآورد پس چون طاهر شد اول طواف بجهة عمرهٔ
خود میکند بعد طواف حج بجا میآورد بعد سعی میکند بجهة حج و اگر حایض
شده باشد قبل از احرام صبر میکند اگر طاهر شد فبها و الا حج افراد
بجا میآورد و حد آن تا زوال روز عرفه است و شاید تا شب عرفه

نتواند صبر کند و پدر بزرگوارم فرموده اند که بعد از زوال اختیار نیت
میان حج تمتع و افراد تا شب پس اگر طاهر شد فبها و الا حج را
مبدل بافراد میکند مسئله هرگاه زن بعد از قضای مناسک
قبل از طواف نساء حایض شود طواف را تاخیر میاندازد
تا وقتیکه طاهر شود و اگر در اثنای طواف نساء حایض شود طواف را
قطع میکند اگر بعد از نصف است میتواند از مکه برود و الا بعد از
آنکه پاک شد تمام میکند مسئله اگر زن قبل از طواف نساء حایض شد
اگر نتواند جمال خود را نگاه بدارد تا طواف کند و اگر میسر
نباشد و قوافل حاج همه بیرون آیند و تنها بماند بیرون آید
مسئله زن اگر بعد از طواف قبل از نماز حایض شود نماز میکند
تا پاک شود و بعد از پاک شدن نزد مقام ابراهیم نماز میکند
مسئله زنی که حج تمتع کرده است در اثنای طواف عمره اگر حایض

شود اگر از نصف

شود و اگر از نصف گذشته است سعی میکند و محرم میشود و بعرفات
میرود و بعد از پاک شدن تتمه طواف را تمام میکند اگر از
نصف نگذشته تمام را اعاده میکند مسئله مستحاضه غسل میکند
و پنبه با خود بر میدارد و خود را می بندد و طواف میکند و نماز
میکند ولی داخل کعبه نمیشود فصل در طواف نساء است
و در آن چند مسئله است مسئله واجب است طواف نساء
بر حاج و معتمر غیر از عمره تمتع که طواف نساء ندارد و بعد از
حج طواف نساء میکند مسئله طواف نساء بر مردان و زنان
و خصیان همه واجب است وقت طواف نساء بعد از
فراغ از سعی است طواف نماید و نماز طواف [illegible] آن وقت
زن بر او حلال میشود مسئله زن اگر طواف و سعی را در حج تمتع
بجا آورد و برگشت بمنی و طواف نساء نکرد وقتیکه بر میگردد

بجهة زیارت خانه طواف نساء میکند مسئله جایز نیست
مقدم داشتن طواف نساء بر سایر مناسک مگر بجهة عذری و قبل از
این حکم مقدم گذشت مسئله هرکس ترک کند طواف نساء را

فصل

حلال نیست بر او نزدیکی کردن با زنان تا آنکه طواف نماید
در احکام شک و سهو و نسیان است و در آن چند مسئله است
مسئله هرکس طواف فریضه را فراموش کند تا بلد خود برگردد
کسی را وکیل میکند که بنیابت او طواف کند و هدی بفرستد
مسئله اگر طواف حج بوده در حج و اگر طواف عمره بوده در عمره
اگر کسی طواف نساء را فراموش کند تا برگردد مستحب است که خود
برگردد بمکه و طواف نماید اگر بتواند و جایز است نایب بگیرد
و بر او واجب است نحر کردن شتری میان صفا و مروه و زن
بر او حلال نیست تا خود او یا نایب او طواف نماید و اگر بمیرد

ولی او از جانب

ولی او از جانب او قضا میکند و اگر ولی ندارد دیگری میکند
مسئله شیخ صدوق علیه الرحمه روایت کرده است اگر کسی طواف
نساء را فراموش نموده ولی طواف بجهة وداع بجا آورده است
همان طواف نساء حساب میشود مسئله اگر کسی کمتر از نصف
طواف نساء را فراموش کرده و از مکه بیرون آمده کسی را امر
میکند که از جانب او طواف کند و جایز است بر او بازنان
نزدیکی کردن مسئله اگر کسی یک شوط طواف زیاد بکند
از هفت شوط از روی فراموشی آنگاه متذکر شود شش شوط
دیگر هم طواف میکند و دومی را فریضه قرار میدهد و اولی
را مندوب و دو رکعت دیگر هم نماز میکند و اگر از هفت شوط
کمتر طواف کرده و متذکر شد باقی را اتمام میکند و اگر در بین سعی
ملتفت شود برمیگردد و طواف را اتمام میکند و باز بر میگردد

و سعی را تمام میکند و اگر بعد از سعی متذکر شد اگر چهار شوط از طواف
کرده تتمه را بانجام میرساند و اگر کمتر طواف کرده است اعاده میکند
مسئله اگر کسی شک کند میان هفت شوط و هشت شوط بنا را
بر هفت میگذارد و اگر هنوز دور آخر را تمام نکرده که شک نماید
دوره را تمام مینماید و بنا را بر هفت میگذارد مسئله اگر کسی شک
کند میان شش و هفت و هشت یا میان سه و چهار را اعاده
میکند مسئله در طواف مندوب همیشه بنا را بر یقین میگذارد و
و اعاده نمیکند مسئله در نماز طواف است و در آن چند مسئله است
مسئله نماز طواف دو رکعت است در پشت مقام بجای آورد و
بعد از طواف در یک رکعت سوره توحید میخوانی در رکعت دیگر سوره
جحد و اگر در غیر آن مقام نماز کردی اعاده نما مگر اینکه طواف مندوب
باشد مسئله اگر کسی نماز طواف را فراموش کند تا منی رود مرخص

فرموده اند

فرموده اند که در منی نماز کند و اگر فراموش کرد تا از مکه
بیرون رفت اگر تواند برگردد و نماز میکند و اگر نتواند
کسی را امر میکند که از جانب او نماز کند در آنجا یا خود در هر جا هست
نماز میکند مسئله جایز است که در مقام نماز کنی نزدیک
بپایه مسجد در وقتیکه جمعیت زیاد باشد و نتوانی پشت
مقام نماز کنی مسئله نماز طواف فریضه است جایز نیست تاخیر
انداختن آن از همان ساعت که طواف او تمام شود اگرچه
وقت غروب باشد یا بعد از عصر یا بعد از نماز صبح مسئله
اگر کسی نماز طواف را فراموش کرد تا آنکه شروع بسعی نمود و در اثنا
سعی متذکر شد برگردد و نماز میکند و باز میآید در جای سعی
خود را تمام میکند مسئله جایز نیست نماز طواف را نشسته کند مقصد
ثالث در سعی میان صفا و مروه است و در آن چند فصل است

فصل در وجوب سعی است و بعض احکام آن و در آن چند مسائل است

سعی میان صفا و مروه فریضه است مسئله هرگاه بخواهد از مسجد

بیرون رود بجهة سعی کردن از دری بیرون میرود که برابر حجر الاسود است

و ابتدا بصفا میکند مسئله سزاوار است که بعد از آنکه طواف

کرد تعجیل نماید در سعی کردن و جایز است تا شب تاخیر اندازد

بجهة اینکه هوا قدری خنک تر شود و احوط اینست که تا روز دیگر

تاخیر نیندازد مسئله جایز نیست مقدم داشتن سعی بر طواف

و اگر کسی مقدم دارد از روی عمد طواف میکند بعد از آن مجدد

سعی مینماید و همچنین مقدم نمیدارد طواف را بر سعی و اگر

از جهة فراموشی مقدم داشت بر او چیزی نیست مسئله

اگر کسی سعی را باطل نماید در صورت مفروضه بر او است که خون بریزد

مسئله واجب است ابتدا نمودن بصفا و ختم کردن بمروه

مسئله کیفیت سعی کردن اینست که ابتدا نمائی بصفا و بالا

روی بر آن و بایستی رو بخانه و نه تکبیر بگوئی و حمد کنی و صلوات

بفرستی و دعا کنی بجهة خود و والدین و مؤمنین آنگاه پایین بیائی

و رو بمروه میروی و راه میروی پس هرگاه بجای هروله رسیدی

هروله میکنی و سعی میکنی و دعای ماثوره را میخوانی و مقام هروله

میان دو ستون است که معین است پس چون بمیل دوم رسیدی باز

راه میروی با وقار و سکینه و تسبیح خدا میکنی و تکبیر میگوئی

و تهلیل میگوئی و حمد مینمائی و صلوات میفرستی تا بمروه رسی

پس بمروه بالا میروی و باز رو بقبله میایستی و دعا میخوانی و باز

پایین میائی تا بصفا رسی و بالا میروی و بهمین طور سعی میکنی تا هفت

مرتبه و رفتن یک شوط حساب میشود و برگشتن یک شوط مسئله

همه سعی هفت شوط است اگر عمداً زیاده کرد باطل میکند مسئله

اگر کسی عمداً سعی را ترک نماید حج او باطل میشود و سال دیگر باید حج
کند مسئله ابرز نمانیت هروله کردن مسئله جایز است
در حال سعی میان مروه و صفا بنشیند بجهت استراحت مسئله
باکی نیست سواره سعی نمودن بجهت مرضی یا ترس اینکه ضعف حادث شود
و پیاده افضل است مسئله هرگاه سواره سعی کند پایین صفا و مروه
بایستد بجهت آنکه خانه را ببیند مسئله اگر در اثنای سعی کردن
وقت نماز برسد اول نماز میتواند بکند بعد سعی را تمام کند مسئله
جایز است قطع نمودن سعی بجهت قضای حاجت مؤمن

فصل

در احکام سهو و شک و نسیان و بعضی ملحقات و در آن چند مسئله است
مسئله اگر کسی سهواً بیش از هفت شوط سعی نماید بنا بر روایتی
زیادتی را طرح میکند و روایت شده است که اگر کسی نه شوط طواف
کرده است بنا را بر یکی میگذارد و هشت شوط را طرح میکند و اگر

هشت شوط

هشت شوط سهواً طواف کرده همه را طرح میکند و اعاده مینماید
مسئله اگر کسی بعد از تقصیر متذکر شود که شش شوط طواف کرده است
یک شوط دیگر هم طواف میکند و کافی میباشد و اگر هیچ متذکر نشود
که چه قدر سعی کرده است سعی را اعاده میکند و خونه هم میریزد مسئله
اگر کسی فراموش کند سعی کردن را هر وقت متذکر شد سعی میکند و اگر از
مکه بیرون رفته باشد برمیگردد و سعی میکند و اگر بمنزل خود رسیده
و نمیتواند برگردد نایبی میگیرد که از جانب او سعی نماید مسئله
اگر قدری از هروله را در سعی خود ترک کرد برای او چیزی نیست مسئله
کسی که قدری از مسافت سعی را سهو کرده و متذکر شد قهقری برمیگردد
تا آن مقام که سعی کرده و سعی میکند مسئله بر صفا و مروه و بین
آن دو دعوات مأثوره را بخواند و دعاها معروف است و در رساله
عربیه هم بعضی آنها را روایت کرده ایم

مسلک رابع در تقصیر

بعد از اتمام عمره است و در آن چند مسأله است مسأله
واجب است بر متمتع تقصیر کردن بعد از سعی قدری از موی سر را
می چیند و قدری از ریش و شارب خود را می چیند و قدری از
ناخن خود را میگیرد و قدری را بکند از بدن جهة تقصیر بعد از حج مسأله
جایز نیست تراشیدن سر در عمره تمتع و اگر از روی جهالت تراشید
بر او چیزی نیست و اگر عمداً تراشد هرگاه تا وقت احرام حج
سی روز مانده است بر او چیزی نیست و اگر کمتر مانده است
و عمداً سر خود را تراشیده خونی میریزد مسأله اگر مقراض
نداشته باشد که موی و ناخن خود را بگیرد با هرچه تواند میگیرد
اگرچه با دندان باشد مسأله کفایت میکند زن را در تقصیر که
بقدر سر انگشت از موی خود بگیرد مسأله جایز نیست با زن
نزدیکی کردن قبل از تقصیر مسأله جایز است با زن نزدیکی کردن

بعد از تقصیر مسأله اگر متمتع تقصیر را فراموش کند تا
احلال بحج نمود استغفار نماید و روایت شده است که خونی میریزد
و محمول بر استحباب است مسأله اگر عمره مفرده بجا آورد مستحب است
که وقت تقصیر سر بتراشد مسأله سزاوار است بر متمتع بعد از
تقصیر و بر آمدن که پیراهن بپوشند و شبیه محرمین باشد و روند
غبارآلوده و موپریشان مسأله جایز است که دیگری موی
سر و ریش و اظفار زنان بگیرد مسأله معتمر بعد از طواف
فریضه دیگر طواف نمیکند تا تقصیر نماید و بعد از تقصیر هرچه بخواهد
طواف میکند منسک خامس در احکام احرام حج است
و رفتن بعرفات و آنچه متعلق است بآنها و در آن چند فصل است
فصل اول در احرام حج است و رفتن بمنی و در آن چند مسأله است
مسأله کیفیت احرام حج و میقات آن سابقاً مذکور شد بهمان

قسم که در حرام کفیتم لباس احرام میپوشد و وارد مسجد میشود
و بهمان تفصیل سابق نماز میکند و تلبیه میگوید و حاجت باعاده ذکر آن
نیست مسئله شخص متمتع روز ترویه از مکه بیرون میرود و افضل
اوقات خروج بعد از زوال است مسئله شخص که مضطر است
تا شب تاخیر نیندازد باندازه که صبح در منی باشد مسئله جایز است
پیش از ظهر بیرون رفتن مسئله جایز است بر پیر مردان و شخص مریض
که ترسد از ازدحام مردم پیش از ترویه محرم شوند و بیرون روند یکروز
یا دو روز یا سه روز ولی زیاده بر جایز نیست مسئله مکروه است بر غیر
صاحبان عذر پیشتر از ترویه بیرون رفتن مسئله آنها که میروند بمنی
صبح را در منی میکنند و روانه عرفات میشوند و پیادگان قبل از صبح
میروند و نماز را در راه میکنند مسئله باکی نیست قبل از طلوع آفتاب
راه رفتن ولی از وادی محسر نمیگذرد تا آفتاب طالع شود مسئله

چون

چون صبح روانه عرفه شوی دعای ماثور را میخوانی و تلبیه میگوئی و منتهای
وقت تلبیه تا ظهر عرفه است فصل در احکام وقوف بعرفات
و در آن چند مسئله است مسئله واجب است وقوف در عرفات تا مغرب
روز عرفه مسئله چون وارد عرفات شدی خیمه خود را در نمره بزنی که
جای معینی است و آنجا موقف نیست و چون زوال شود تلبیه را قطع میکنی
و غسل میکنی و نماز ظهر و عصر را جمع نمائی و مشغول میشوی بذکر خداوند
مسئله محل وقوف طرف چپ کوه است و افضل مواقف پایین کوه است
که متصل است آن پایه و اگر جا تنگ شود بکوه بالا میروند و بطرف پایین
و زیرا که موضعیست معین وقوف نمینمایند مسئله مستحب است که
انسان نفس خود و خیزان جاهای خالی را سد نماید مسئله جایز است
سواره وقوف نماید مسئله مستحب است وقوف تا غروب و غروب نماید
وقت حرکت کردن از عرفات وقت مغرب است مسئله هر کاه کسی بعد از

آنکه مردم از عرفات رفته باشند بیاید اگر مهلتی دارد و شب عید بیاید
بعرفات و وقوف نماید پس بیاید بمشعر و بمردم ملحق میشود و اگر
وقتی رسد که مجال عرفات رفتن نباشد در مشعر وقوف نماید و حج
او تمام است مسئله اگر شخص قبل از طلوع فجر خود را بعرفات رساند
و برگردد بمشعر و مردم رفته باشند قدری در مشعر وقوف نماید و بمردم
ملحق میشود در منی مسئله اگر کسی قبل از غروب از روی جهل از عرفات
حرکت کند بر او جرمی نیست و اگر عامدا حرکت کرد شتری نحر میکند
و اگر نیابد هجده روز در مکه روزه میگیرد یا در راه یا در منزل خود مسئله
مستحب است روز عرفه در شهرها جمع شوند و دعا بخوانند مسئله
بر غیر محرم مستحب است زینت کردن در شب عرفه در شهرها مسئله
عمده در معرفت روز عرفه و روز عید بهلال است فصل
در وقوف مشعر است و احکام آن و در آن چند مسئله است مسئله

هرگاه روز

هرگاه روز عرفه آفتاب غروب کند و حمره مشرقیه بالا آید از عرفات بیرون
باید رفت با سکینه و وقار نه مثل مردم بی وقار و بی طمانینه و
چون بتل قرمز رسیدی دعای ماثور را میخوانی و سعی میکنی که لگد بر ضعیفی و کسی نگذاری
مسئله چون بمازمین رسیدی مستحب است پیاده شوی و بول نمایی و مازمین
مقام مخصوص است میان مشعر و عرفات مسئله مستحب است در مازمین
با خضوع بگذری و تکبیر بگوید بجهة آنکه راه وسیع شود مسئله وقوف در مشعر
فریضه است مسئله مشعر را جمع هم میگویند و مزدلفه و ابطح نیز میگویند
مسئله نماز مغرب و عشا را بتاخیر میاندازی تا بجمع برسی اگرچه تا ثلث
از شب بگذرد یا زیادتر و میان نماز مغرب و عشا نافله نمیکنی و نافله را
بعد از نماز عشا میکنی مسئله چون بمشعر رسیدی در وادی بطرف راست
راه نزدیک مشعر پیاده میشوی و مستحب است بر کسیکه حج ننموده است که بر مشعر
پا بگذارد و در روایتی مشعر باید و جست مسئله حد مزدلفه ما بین مازمین است

تا کوه تا حوضهای محسر مسئله هرگاه جمعیت زیاد شود و جا تنگ شود و بلند و
تا ماز مین بالا میروند مسئله وقوف در مشعر بعد از صبح است صبح بکنی یا
و بعد از نماز صبح وقوف نمائی اگر بخواهی نزدیک کوه یا هر جای مشعر که
خواسته باشی و مشغول بشوی بذکر خداوند و دعا مسئله بهترین ساعات
بجهة حرکت کردن از مشعر نزدیک طلوع آفتاب است تا آفتاب مسئله
جایز است حرکت کردن وقتیکه هوا فی الجمله روشن شود بقدریکه شخص جای
پای خود را ببیند مسئله قبل از طلوع آفتاب از وادی محسر نمیگذرند
مسئله حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله زنها را شب همراه اسامه از
مزدلفه بمنی فرستادند و امر فرمودند که رمی جمره نمایند و هر کس هدی
دارد توقف کند تا ذبح کند و هر کس ندارد روانه مکه شود مسئله
مرخص فرموده اند زنها و بچها و ضعفا را که شب روانه منی شوند
و رمی جمره در همان شب نمایند و روانه مکه شوند و کارهای دیگر کنند که عوض

ایشان ذبح

ایشان ذبح نماید مسئله هر کس از عرفات بمنی آید و وقوف در مشعر نکند
برگردد و وقوف نماید باز بمنی بیاید اگرچه سنگ جمره را هم زده
باشد و روز دهم بالا آمده باشد و چون بمنی برگشت باز سنگ جمره را بزند
مسئله اگر کسی وقوف در مزدلفه نماید تا آخر وقت وقوف حج از او
فوت شده مسئله اگر کسی از مشعر بگذرد و بقدر نمازی یا ذکری یا دعائی
وقوف نموده باشد کفایت از وقوف میکند مسئله
وقت اضطراری بجهة وقوف در مشعر تا زوال شمس است در روز عید
کسی که هر دو موقف از او فوت شد که نه در وقت اختیاری و نه در
وقت اضطراری هیچیک وقوف نمود در هر دو موقف یا در مشعر
حج او فاسد است مسئله مستحب است که سنگ جمره را از مشعر جمع نمود
و اگر میسر نشد از منی یا سایر حرم جمع میکند ولی از سنگهای زده شده
نباید بگیرد و از مسجد خیف و مسجد الحرام هم نمیگیرد مسئله عدد سنگهائی

که لازم است بمقدار سنگ است ولی اگر بیشتر جمع کند بجهت احتیاط
ضرر ندارد مسئله سنگ جمره شکلی است سرمه رنگ منقط
و شش گوشه است غیر از این قسم دیگر جمع میکند جایز است مسئله
پس از آنکه سنگها را جمع کرد میشوید بطور ملایمت که نشکند
در وقتیکه از مشعر بمنی میرود در وادی محسر سعی میکند و اگر سوار است
حیوان خود را حرکت میدهد و مقدار سعی بقدر صد قدم است
یا صد ذراع منسک ششم در رمی جمارات و در آن
چند مسئله است مسئله رمی جمار واجب و از حج است اگر
و اگر کسی عمداً ترک کرد زن بر او حلال نیست و سال دیگر باید
حج کند مسئله در روز عید چون بمنی آمدی جمرهٔ عقبه را سنگ میزنی
و در سایر ایام هر سه جمره را سنگ میزنی مسئله مستحب است که اول
سنگ جمره بزند بعد هدی خود را بخرد و ذبح نماید بعد تقصیر کند مسئله

سزاوار است که با وضو سنگ بیندازی مسئله طریق سنگ
انداختن بجمرهٔ عقبه اینست اولا در وادی رو بقبله بایستی
و فاصله بگذاری میان خود و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع
و دعا میخوانی بعد برابر روی جمره بایستی از توی وادی و از طرف
بالا سنگ نمیزنی و فاصله میان خود و جمره همان قدر میگذاری
و سنگها را در دست چپ میگذاری و یکی یکی بدست راست
میگیری و میزنی و با هر سنگ تکبیر میگوئی مسئله سنگ را
بر انگشت میگذاری و بناخن سبابه میاندازی مسئله سنگ
باید بزمین برسد متصل بعلامتها یا روی سنگهائی که جمع شده است
پس اگر بسواری یا محملی یا بشانهٔ خود و از آن گذشت و بمقام
خود رسید ضرر ندارد و الا سنگ دیگر میزند و اگر سنگ با خود
نداشته باشد از زیر پای خود برمیدارد نه از آن سنگها که سایرین

زده اند مسئله جایز است سواره سنگ زدن مسئله
جایز نیست سنگ زدن قبل از طلوع آفتاب و سقا
را مذکور شد که جماعت را رخص فرموده اند که شب سنگ جمره
بزنند مسئله مریض را سوار میکنند یا بر دوش میگیرند و میزنند
در مقام رمی جمره اگر نتواند خود رمی جمره میکند نتواند پس در روی
او دیگری بنیابت او میزنند مسئله باید ملاحظه ترتیب در رمی
جمار نماید در روزهای تشریق پس اول جمرهٔ اولی را میزنند
بعد وسطی را بعد جمرهٔ عقبه را و اگر بعکس رمی کرد باز جمرهٔ
وسطی و عقبه را اعاده میکند تا ترتیب درست باشد مسئله
ابتدا بجمرهٔ اولی مینماید پس از طرف چپ سنگ میزند بعد
در چپ راه میایستد رو بقبله و حمد و ثنای الهی بجا میآورد
و صلوات میفرستد بعد قدری پیش میرود و دعا میخواند و از

خداوند سؤال

خداوند سؤال میکند که از او قبول کند بعد میرود و نزد جمرهٔ
دویم و همین طور عمل میکند ولی در نزد جمرهٔ عقبه نمیایستد رمی
میکند و میگذرد مسئله از وقت طلوع آفتاب تا غروب
میتوان رمی جمره نمود ولی مستحب است که اول زوال آن را بزنند
مسئله اگر کسی در روزی رمی جمره ننمود نسیاناً یا بجهة عذری
روز دیگر دو مرتبه میزنند ولی یکمرتبه را صبح و مرتبه دیگر را ظهر مسئله
اگر کسی فراموش کرد رمی نماید جمرهٔ وسطی را در روزی روز دیگر
رمی میکند و اگر مشتبه گردید تا روز حرکت همان روز رمی میکند
مسئله اگر بچه را حج برده باشند و محرم کرده باشند سنگ را در دست
او میگذارند و هم دوش میگیرند میزنند مسئله اگر کسی نتواند ... که باید
رمی نماید تا روزی که بمکه برمیگردد و رمی جمار ننماید بهمان قاعده
که بایست رمی کند و میان هر دو مرتبه فاصله میکند از تعدد ساعتی



و اگر آن وقت هم متذکر نشد و رفت بوطن خود بر او چیزی نیست
مسئله اگر کسی فراموش کرد رمی جمار را یا بعض آنرا تا ایام
تشریق گذشت مستحب است که در سال دیگر در همین ایام اعاده کند
و اگر مرد ولی او از جانب او رمی میکند اگر ولی دارد والا
یکی از مسلمین عوض او رمی میکند مسئله بهر جمره روزی هفت
سنگ باید بیندازد اگر کسی کمتر زد اگر جمره آخری است تتمه را
بیندازد اگر در جمره اول است اگر باولی سه سنگ زده
و بدوتای دیگر تمام زده است چهار سنگ دیگر باولی میزند
و بجمره وسطی و عقبه دو مرتبه سنگ میزند و اگر چهار سنگ زده است
باخرها اعاده نمیکند ولی سه سنگ باولی میزند و همچنین حکم وسطی
اگر کم سنگ زند مسئله اگر کسی بیست و یک سنگ در دست داشت و ترتیب
بجمره‌ها زد آخر دید یک سنگ در دستش باز مانده است و ندانست بکدام

یا کم زده

یا کم زده است بهر یک سنگی میزند مسئله اگر سنگی از دست او
افتاد و بعینه آنرا نشناخت سنگ دیگری از زیر پای خود بردارد
مسلک سابع در هدی و ضحیه است و در آن چند فصل است
فصل در هدی است و احکام آن و در آن چند مسئله است
مسئله واجب است هدی بر هر کس حج تمتع نماید مسئله بر سفر او
هدی و ضحیه واجب نیست مگر اینکه بخواهد بر خود قربانی کند روز عید
مسئله اگر کسی در ماههای حج عمره تمتع بجا آورد بعد در مکه
اقامه کرد تا موسم حج بر او است ثانی بجهه هدی و اما اگر در
غیر ماههای حج عمره بجا آورد و مجاور مکه شد تا موسم حج و حج
کرد حج او افراد است و هدی بر او واجب نیست مسئله اگر بنده
عبد خود را امر کرد که حج تمتع نماید بر او واجب است که از جانب خود
ذبح کند یا آنکه امر کند او را که روزه بگیرد مسئله اگر طفل را

تمتع باشند اگر ولی او ممکنش نشود که بر خودش و او هر دو ذبح
کند عوض خود و او هر دو روزه میگیرد و اگر ممکنش شود یک هدی
عوض طفل ذبح میکند و خودش روزه میگیرد فصل
در جنس هدی است و بیان صفات آن و در آن چند مسئله است
مسئله بهتر از همه هدیها شتر است و بعدش گاو است و بعدش
گوسفند مسئله اختیار میکند از گاوها و گوسفندها گاو و گوسفند
ابلق را و از شترها شتر عربی را مسئله هرگاه اختیار نمود گوسفند
مستحب است اختیار کردن برهٔ نر چاق بی عیب شاخ دار [illegible]
که چشمها و دهان و دست و پای او سیاه باشد مسئله
مکروه است اختیار کردن گوسفند شل و اعور و لاغر و گوسفندی
که گوشش سوراخ باشد یا بریده باشد یا شاخ اندرونش شکسته باشد
یا گوشش چاک خورده باشد و باکی نیست شاخ بیرونش شکسته باشد و اندرون
درست باشد

درست باشد یا گوشش بریده باشد اما جدا نشده باشد مسئله
هرگاه شتر و گاو اختیار کند ماده آن بهتر است و اگر گوسفند اختیار
کند نر بهتر است مسئله کفایت میکند از شتر آنکه پنج سالش تمام شده
و داخل ششم شده و از بره از شش ماه بالاتر و از بز نر آنکه یک سالش
تمام شده و داخل سال دویم شده است و گاو هرچه میخواهد سن داشته باشد
مسئله بز نر بجهة ذبح کردن بهتر از میش ماده است مسئله
کفایت نمیکند گوسفند خصی ولی موجوء ضرر ندارد در صورتی که
گوسفند سالم نبینند و موجوء بهتر از بز نر است مسئله مکروه است
قربانی کند گوسفندی را که قبل از ماه ذی حجه خریده مسئله مکروه است
قربانی کردن گوسفندی که مدتی در خانه علف داده است مسئله
مستحب است قربانی کردن شتر و گاو فصل در احکام هدی است
و در آن چند مسئله است مسئله اگر گوسفندی بخرد بخیال اینکه

چاق است بعد دید لاغر است کفایت میکند و عکس آن هم
کفایت میکند ولی اگر بنیت لاغری خرید و لاغر هم باشد
باید گوسفند سمین بکشد و این کافی نیست بنابر روایتی
مسئله هدی واجب جایز نیست ناقص باشد ولی احکام قربانی
همه مستحب است مسئله اگر کسی هدی خود را خرید و نمیدانست
عیبی دارد بعد از آنکه پول داد دید عیب دارد ضرر ندارد
مسئله مکروه است مماکسه کردن در خریدن اضحیه مسئله
اگر کسی هدی خرید و در راه شکست اگر هدیی است که بر ذمه او است
مثل آنکه نذر باشد یا جزای صید باشد باید عوض آن بگیرد و همچنین اگر
هدی عاجز شود از آمدن و بماند و اگر هدی واجب نیست براو
عوض نیست مسئله اگر کسی هدی بجهت استحباب بیاورد و خسته شود
هر جا هست او را بکشد و نعل تقلید را در خون او بزند در سنام

او بزند

او بزند یا نوشته بنویسد که این هدی است و بر روی او میگذارد
تا مردم بدانند و بخورند و عوض ندارد ولی اگر واجب است
او را بنحر میکشد و عوض آنرا در مقام خود میکشد مسئله
اگر هدی را بعرفات برد بعد گم شود کفایت میکند صاحب او را
مسئله اگر متمتع هدی خود را خرید و بست و فرار کرد کفایت
نمیکند مگر اینکه غیر آن نقد ورش نباشد مسئله مستحب است
کشتن گوسفندی که بعرفات برده اند مسئله هر هدیی که گوشت شخص
با خود بیاورد خواه واجب خواه مستحب اگر دزدیده شد
و عیب کرد آنرا میکشد و بدل ندارد مسئله اگر کسی گوسفند
قربانی را خرید و کسی از او دزدید کفایت میکند ولی مستحب است
که عوض بخرد و بکشد مسئله اگر گوسفندش گم شد و یکی
دیگر خرید عوض اول پس اول را یافت اولی را میکشد و دومی را

میفروشد و اگر هم بخواهد استحبابا ذبح میکند و اگر جزی را
ذبح کرد و بعد اوّلی را یافت اوّلی را هم ذبح میکند و بهتر است
مسئله هدی واجب نمیشود قبل از اینکه او را تقلید کند مسئله
اگر کسی هدی خرید و نحرش کرد و دیگری بر او گذشت و مدعی شد
که مال من است و دو شاهد اقامه کرد گوشتش مال مدعی است
و کفایت از هیچیک نمیکند مسئله اگر کسی هدی گم شده را
پیدا کرد و تعریف میکند روز عید و در روز دیگرش اگر صاحبش را
نیافت پس در روز سیم نحرش میکند مسئله اگر کسی شتری با خود
آورده است و هدی قرار داده پس شتر زایید خودش و بچه اش
هر دو را نحر میکند و اگر بر ذمّه اوست و هلاک شد عوض
او و بچه اش را میخرد و نحر میکند مسئله جایز است که هدی سیاق
را سوار شود ولی خسته اش نمیکند و شیرش را میدوشد و [illegible]

مسئله مکروه

مسئله مکروه است شریک شدن جمعی در هدی که واجب ولی
اگر لابد شوند جمعی شریک میشوند در هدی و یا از هفتاد نفر
کفایت میکند مسئله قربانی در سایر شهرها یا از جمعی کفایت
میکند ولی در منی هر یک نفری یک اضحیه برای خود میکشد مگر
نزد ضرورت مسئله اگر کسی بنیابت حج کرد یک هدی او را
کافی است بجهة خودش و منوب عنه و اگر هم ذبح نکنند نقصی
نیست فصل در آداب ذبح و نحر است و بعضی متعلقات
آن و در آن چند مسئله است مسئله هر کس اضحیه خود را خودش
بکشد و جایز است بنیابت غیر هم بکشد مسئله حضرت سجاد
علیه السلام کارد در دست صبی میگذاردند و نحر مینمودند مردی
دست او را بگیرد و ذبح نماید مسئله جایز نیست یهودی و نصرانی
بنیابت انسان ذبح کند اگر چه منوب عنه زن باشد بلکه در

صورتی که مسلم نباشد خوردن ذبح میکند و اگر مسلم است او را
وکیل خود قرار میدهد ولی مستحب است خودش نظر کند مسئله
اگر کسی بنیابت غیر ذبح میکند اسم او را میبرد و اگر سهواً اسم
دیگر برد ضرر ندارد مسئله چون بخواهی ذبح کنی حیوان را رو بقبله
بخوابان و بسم الله بگو و صلوات بفرست و بگو وجهت
وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً وما انا
من المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله
رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا
من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله وبالله
والله اکبر اللهم تقبل منی و اگر بجهة دیگری است بگو
اللهم هذا عن فلان مسئله شتر را رو بقبله وادار و دو دستهای
او را تا زانو ببند و از طرف راست آن بایست و همین طور که

ایستاده

ایستاده است لبه او را سوراخ کن و چون بزمین افتاد موضع ذبح
را قطع کن و در حال نحر کفایت میکند بگوئی بسم الله والله
اکبر اللهم هذا منک ولک اللهم تقبل منی مسئله
روز عید چون امام از نماز عید برگشت قربانی باید کرد مسئله
در شهرها تا سه روز میتوان قربانی کرد و در منی تا چهار روز مسئله
مکروه است ذبح کردن در شب مگر وقت اضطرار مسئله اگر اشعار
هدی واجب را نباید ذبح کرد مگر در منی و اگر واجب نیست اگر
یا تقلیدش کرده است روز اضحی در منی نحرش میکند والا
خواسته باشد در مکه نحر میکند مسئله اگر در عمره هدی با خود آورده
در مکه نحر میکند پیش از آنکه حلق نماید و همچنین اگر کفاره در عمره
برا او واجب شده است مگر آنکه کفاره را تاخیر اندازد تا موسم حج
پس در منی ذبح میکند ولی تعجیلش افضل است مسئله اگر در دهه

اوّل ذیحجه وارد مکه شود و با خود هدی دارد اگر اشعار و تقلیدش
کرده است روز عید در منی نحرش میکند و الّا در مکه نحر میکند مسئله
کفّارهٔ صید را چه در عمرهٔ مفرده باشد چه عمرهٔ تمتع میخواهی در مکه
نحر نمائی میخواهی در ایام تشریق در منی ولی آنچه کفاره در حج تو
وارد آمده است چه افراد باشد و چه تمتع در منی باید نحر شود
فصل در مصارف اضحیه و هدی است و در آن چند
مسئله است مسئله محرم از گوشت فدیه و کفاره و جزای
صید نمیخورد ولی از باقی گوشتها میتواند بخورد مسئله گوشت هدی
را سه جا میکند ثلث را باهل خود میدهد و یک ثلث را بفقرای متعین
از فقرا و کسانی که سؤال میتوانند بکنند میدهد و ثلث را بسائلین
میدهد مسئله هر ذبیحه که بجهة نقصی است که در حج وارد آمده است
از آن نباید بخورد مسئله مکروه است گوشت قربانی را بمشرک بدهند

مسئله جایز است از گوشت قربانی خود شخص قدری بخورد باقی را
صدقه بدهد مسئله ذخیره نباید بکند از گوشت قربانی خودش ولی
در ایام منی میتوانند از آن گوشت بخورد اما غیر خوردن آن میتواند
ذخیره کند از آنچه آورده مسئله جایز است بیرون بردن
سنام شتر از منی و ذخیره کردن آن زیرا که دوا است مسئله
مستحب است پوست هدی و زنگ و قلاده آنرا صدقه دهند و لیکن
از گوشت بدهند یا چیز دیگر مسئله مکروه است منتفع شدن
بپوست قربانی فصل در حکم کسی است که هدی و قربانی نداشته
باشد و در آن چند مسئله است مسئله کسیکه هدی نیابد ولی
قیمت آنرا داشته باشد آنرا می سپارد بیکی از اهل مکه که عوض او هدی
بخرد و در ماه ذیحجه ذبح کند و کفایت میکند و اگر در این سال میسر
نشود و ذیحجه تمام شود ذیحجهٔ سال دیگر ذبح میکند مسئله کسیکه تا روز

حرکت کردن از منی نه هدی بیابد نه ثمن آنرا اگرچه بقرض کردن
باشد روزه میگیرد و اگرچه در آن روز بیابد مسئله اگر کسی ثمن داشته
باشد ولیکن بیشتر کند از خریدن هدی تا آخر روز از وقت گوسفند
گران شود و نتواند بخرد و بعد از ایام تشریق روزه میگیرد مسئله
کسی نه هدی داشته باشد نه قیمت آنرا سه روز در حج روزه میگیرد
و هفت روز بعد از برگشتن اما آن سه روز روز هفتم است
و هشتم و نهم و اگر روز هفتم را گم کرد دیگر نمیگیرد تا بعد از
ایام تشریق از وقت روزه میگیرد و اگر جاهلش صبر نکند از روز
نهم روزه میگیرد تا سه روزه مسئله اگر کسی در ایام مذکوره نتوانست
روزه بگیرد در بقیهٔ ماه روزه میگیرد در مکه و اگر نتوانست در مکه
بگیرد یا در راه میگیرد یا در ولایت مسئله اگر در سه روز از ماه
ذیحجه گم کرد تا ماه محرم گوسفندی در منی ذبح میکند یا میفرستد آنجا که
او ذبح کنند.

او ذبح کند و قضای آن سه روز را نمیکند مسئله سه روز را
پشت سر هم میگیرد و هفت روز را هم پشت سر هم و در روایتی
مرخص فرموده اند در صورتی که در مکه سه روز را نگیرد که هر ده روز را
پشت سر هم بگیرد و در روایتی مرخص فرموده اند که هفت روز را
متفرق بگیرد و این مشهور است میان اصحاب رضوان الله علیهم

فصل در حکم قربانی است و در آن چند مسئله است مسئله
قربانی سنت است مؤکد بر هر کس میسرش باشد از صغیر و کبیر و کسیکه میسرش
نباشد معذور است مسئله مستحب است قربانی کردن بجهت عیال
مسئله طفلی که در رحم است قربانی ندارد و حکم قربانی گذشت

مقصد ثامن در حکم حلق و تقصیر و طواف است و در آن
چند فصل است فصل در حلق و تقصیر است و در آن
چند مسئله است مسئله چون از ذبح هدی یا اضحیه فارغ

شده مشغول میشوی بسر تراشیدن و غسل میکنی و ناخن خود را
میگیری مسئله سزاوار است سر تراشیدن بر تمام مردم نفری که
موهای سر را در هم چسبانیده که تمتد شود و کسی که موی
خود را فتیله نموده و کسیکه دیگر حج نکرده است و اما حاجی
هست که ترک کند حلق را مسئله مطلقا سر تراشیدن
و تقصیر از حج مستحب مؤکد است مسئله هر کس سر خود را
در منی تراشید خداوند عوض هر موئی با او نوری میدهد
در روز قیامت مسئله هر گاه آنچه را خریدی و در منزل
خود بستی بدزدی [illegible] خود رسیده است پس اگر بخواهی سر
تراشی مسئله مستحب است در وقت سر تراشیدن رو بقبله
بنشینی و ابتدا از طرف سر از پیش و استخوانهای
برآمده از نزد گوش را بتراشی و بگوئی اللّهم اعطنی
بکل شعرة

بکل شعرة نوراً یوم القیمة و مستحب است موی خود را در منی
در خیمه خود دفن نمائی مسئله اگر کسی زیارت خانه رود و عمداً
قبل از حلق بر او است گوسفندی بکشد و اگر ناسی باشد بر او چیزی
نیست سر تراشد و باز طواف بکند مسئله اگر کسی فراموش کند
که در منی حلق و تقصیر نماید مستحب است برگردد و در منی حلق و تقصیر نماید
و اگر در راه سر تراشید یا که موی خود را بفرستد بمنی که دفن
نمایند مسئله اگر کسی موی خود را از منی بیرون آورد بر میگرداند
بانجا مسئله چون حاجی [illegible] حلق نمود محل میشود و همه چیز بر او
حلال است مگر زنان و طیب و صید ولی طیب مکروه است و چون
طواف زیارت نمود و سعی کرد طیب هم بر او حلال است و زنان
بر او حلال نیست و چون طواف نساء نمود زنان هم بر او حلال است
و چون از حرم بیرون رفت صید هم بر او حلال است مسئله

مکروه است استعمال طیب کردن و خوردن زعفران و پوشیدن
سر و جامه تن کردن قبل از زیارت بیت مسئله تقصیر
آن است که سر موی خود را می‌چینند و ناخن میگیرند آنکه
سر تراشند فصل در طواف زیارت است و در آن
چند مسئله است مسئله چون از رمی جمرات و ذبح هدی و تقصیر
فارغ شدی زیارت نما خانهٔ خدا را مسئله نزد او راست
از برای متمتع که زیارت نماید بیت را روز نحر و مکروه است از برای
او تأخیر انداختن و اگر نتوانست تأخیر بیندازد تا روز دویم
و اگر نتوانست روز سیوم زیارت میکند و اگر نتواند در روز
که سیزدهم است زیارت میکند ولی عمداً تأخیر نیندازد مسئله
زن بر شان حلال نیست قبل از زیارت بیت و طواف نساء
مسئله مستحب است غسل از برای مردان و زنان بجهة طواف

[illegible]

بیت و غسل آن است که در منی غسل کند و مستحب است تقلیم اظفار
و گرفتن شارب و اطراف ریش را چیدن و همانکه بجهة تقصیر میکنند
کافی است مسئله چون وارد مکه شدی در مسجد مبارک دعای
مأثوره را میخوانی و وارد میشوی و حجرالاسود را میبوسی یعنی دست
بر حجر میمالی و دست خود را میبوسی و اگر استلام ممکن نشود رو بحجر
میکنی و اشاره میکنی و تکبیر میگوئی بعد طواف میکنی بهمان قاعده که گذشت
و دعاهای مخصوصه را میخوانی و نماز طواف میکنی و دعا میخوانی بعد
سعی میکنی میان صفا و مروه بهمان قسم که گذشت بعد طواف
نساء میکنی و نماز میکنی مقصد تاسع در رجوع بمنی است
و حکم عمرهٔ مفرده و آنچه ملحق است بآنها و در آن فصولی است فصل
در حکم رجوع بمنی است و وقوف در منی و در آن چند مسئله است مسئله
هرگاه فارغ شدی از طواف و سعی بر میگردی بمنی و شب را میخوابی

و تبرک

در مکه و همچنین سایر لیالی تشریق هر شب باید در منی بخوابد مسئله
کسی که در مکه بیتوته نمود اگر از منی اول شب یا قبل از غروب بیرون
آمده است باید گوسفندی ذبح کند و استغفار نماید مگر در صورتی که
در مکه همه شب مشغول بدعا و عبادت باشد و اگر بعد از نصف شب
بیرون آمده است از منی مطلقا بر او چیزی نیست مسئله
کسی که از مکه بیرون آید و در راه بخوابد و بمنی نرسد بر او چیزی نیست
اگر چه صبح در منی نباشد مسئله هر کس که بمکه رود در روز یا اول شب
باید بیرون آید و بمنی رود طوری که صبح در منی باشد مسئله مشهور
اصحاب قائلند بوجوب بیتوته در منی و بعضی قائل باستحباب شده‌اند
مسئله ایامی که در منی وقوف داری هر روز سنگ جمره‌ها را بهمان
نحو که مذکور شد باید بزند مسئله باید نیت روزها که باید قصد
نماید در ایام وقوف بمنی و اولی بهتر است که نیاید بمکه مگر بهمان که

بجهة

بجهة زیارت واجب بیاید فصل در حکم حرکت از منی است
و در آن چند مسأله است مسئله ایام وقوف در منی روز یازدهم
و دوازدهم و بعض از یوم سیزدهم مسئله با که نیت رفتن از منی
روز دوازدهم بعد از زوال بعد از آنکه سنگ جمره را زده باشد
میکند و میرود ولی حکم جواز مخصوص است بکسیکه صید نکرده باشد
در حال احرام و جماع نموده باشد مسئله اگر کسی روز دوازدهم
بمنی رفت اگر چه از حرم بیرون رود صید میکند تا بعد از ظهر سیزدهم
مسئله روایت شده است رخصت در حرکت کردن قبل از ظهر روز
دوازدهم مسئله اگر روز دوازدهم تا غروب در منی توقف نمود
دیگر حرکت نمیکند و شب هم میماند مسئله روز سیزدهم میخواهد قبل از
زوال حرکت میکند مسئله جایز است از منی بولایت خود برگردد
هرگاه همه مناسک حج را بجا آورده باشد مسئله اگر روز چهارم
حرکت کردی مستحب است تحصیب نمائی یعنی چون بمسجد حصباء

رسیدی پیاده میشوی و در جهت مسجد شجره قدری به پشت میخوابی
بعد برخیزی ولی خوب نباید بروی مسئله مستحب است وداع
خانه کردن و از آب زمزم بجهة استشفاء خوردن و دعاهای
ماثوره را خواندن و اگر کسی فراموش کرد ضرر ندارد **فصل**
در عمرهٔ مفرده است و در آن چند مسئله است مسئله
عمره واجب است مثل حج مسئله هرگاه کسی عمرهٔ تمتع بجا آورد
دیگر عمرهٔ مفرده بر او واجب نیست مسئله مستحب است عمره
مکرر بجا آوردن مسئله مستحب است عمره بجا آوردن در ماه
رجب و فضل آن بسیار است مسئله مستحب است عمرهٔ ماه
رمضان مسئله در هر ماهی عمره بجا بیاورد مسئله واجب است
بر کسیکه حج افراد بجا آورده است بعد از حج عمره بجا آورد اگرچه
بعد از ایام تشریق باشد **خاتمه** بدانکه زیارت قبر پیغمبر
صلی الله علیه و آله قبل از حج یا بعد از آن حتم است و جایز نیست
ترک کردن

ترک کردن آن و همچنین زیارت ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم سنت
مؤکده است و هر امامی را حقی است و حق ایشان ادا نموده بزیارت
ایشان و زیارت کردن سبب تمامی حج است و مستحب است
غسل کردن بجهة زیارت ایشان و جایز نیست داخل حرم ایشان
شوند در حال جنابت و همچنین جایز نیست داخل بیوت انبیاء
شدن در حال جنابت و همین قدر از احکام حج و زیارت در این
رساله مختصره کافی است و حاجت بزیاده از این نیست و در رساله
عربیه تفصیل زیاده تر داده شده است و محض تنگی وقت و تعجیل حجاج
باختصار کوشیدم و التماس دعا از حاملین در مکه معظمه و مدینه طیبه
و اماکن مشرفه دارم تمام شد بر دست گناهکار مؤلفش محمد بن
کریم عصر روز دوشنبه بیستم شهر رجب المرجب هزار و سیصد و سه ۱۳۰۳
حامداً مصلیاً مستغفراً

ذکر بعض ادعیهٔ مأثوره که متعلق بمناسک و اعمال حج است

دعای در وقت احرام
اللهم انی اسئلک ان تجعلنی ممن استجاب
لک و آمن بوعدک و اتبع امرک فانی عبدک
و فی قبضتک لا اوقی الا ما وقیت و لا
اخذ الا ما اعطیت **دعای وقت
اشعار و تقلید** بسم الله اللهم
منک و لک اللهم تقبل منی **وقت
دخول مسجد الحرام** السلام علیک
ایها النبی و رحمة الله و برکاته بسم الله
و بالله و من الله و ما شاء الله و السلام
علی انبیاء الله و رسله و السلام علی

رسول الله

رسول الله و السلام علی ابراهیم خلیل الله
و الحمد لله رب العالمین **وقت رسیدن
بحجر الاسود** اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
آمنت بالله و کفرت بالطاغوت و باللات
و العزی و بعبادة الشیطان و بعبادة
کل ند یدعی من دون الله **وقت طواف**
اللهم ادخلنی الجنة برحمتک و اجرنی برحمتک
من النار و عافنی من السقم و اوسع علی من الرزق
الحلال و ادرء عنی شر فسقة العرب و العجم
وقت مستجار اللهم البیت بیتک
و العبد عبدک و هذا مقام العائذ بک
من النار اللهم من قبلک الروح و الفرج

بعد از دو رکعت نماز طواف اللهم ارحمني
بطواعيتي اياك وطواعيتي رسولك صلى الله
عليه وآله اللهم جنبني ان اتعدى حدودك
واجعلني ممن يحبك ويحب رسولك وملائكتك
وعبادك الصالحين وقت رسيدن بصفا
ومكث نمودن در آنجا اللهم اغفر لي كل
ذنب اذنبته قط فان عدت علي بالمغفرة
فانك انت الغفور الرحيم اللهم افعل بي ما
انت اهله فانك ان تفعل بي ما انت اهله
ترحمني وان تعذبني فانت غني عن عذابي
وانا محتاج الى رحمتك فيا من انا محتاج
الى رحمته ارحمني لا تفعل بي ما انا اهله فانك
ان تفعل بي ما انا اهله تعذبني ولم تظلمني

اصبحت

اصبحت اتقي عدلك ولا اخاف جورك
فيا من هو عدل لا يجور ارحمني وقت سعي
اللهم اغفر وارحم واعف عما تعلم انك
انت الاعز الاكرم وقت متوجه شدن
بمنى اللهم اياك ارجو واياك ادعو فبلغني
املي واصلح لي عملي وقت توجه بعرفات
اللهم اياك صمدت واياك اعتمدت ووجهك
اردت فاسئلك ان تبارك لي في رحلتي
وان تقضي لي حاجتي وان تجعلني ممن تباهي
به اليوم من هو افضل مني در روز عرفه
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك
وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو

حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
اللهم لک الحمد انت کما تقول وخیر ما یقول القائلون
اللهم لک صلواتی ونسکی ودینی ومحیای ومماتی
ولک تراثی وبک حولی ومنک قوتی اللهم انی اعوذ
بک من الفقر ومن وسواس الصدر ومن شتات الامر
ومن عذاب النار ومن عذاب القبر اللهم انی اسئلک
من خیر ما یاتی به الریاح واعوذ بک من شر ما یاتی به الریاح
واسئلک من خیر اللیل وخیر النهار وقت رمی جمره
الله اکبر اللهم ادحر عنی الشیطان اللهم تصدیقا
بکتابک وعلی سنة نبیک اللهم اجعله حجا مبرورا
وعملا مقبولا وسعیا مشکورا وذنبا مغفورا
وقت داخل شدن بمکه اللهم ان البیت بیتک
والعبد عبدک وقد قلت ومن دخله کان امنا

فامنی

فامنی من عذابک واجرنی من سخطک وقت
خارج شدن از مکه الله اکبر الله اکبر الله
اکبر اللهم لا تجهد بلائنا ربنا ولا تشمت بنا
اعدائنا فانک انت الضار النافع وقت
آشامیدن آب زمزم اللهم اجعله علما نافعا
ورزقا واسعا وشفاء من کل داء وسقم

تمام شد الکتاب [illegible] والله اعلم
۱۲ شهر رجب ۱۳۰۵

$$\operatorname{tg}(a-b)+\operatorname{tg}(b-c)+\operatorname{tg}(c-a) =$$

$$\operatorname{tg}(a-b)\times\operatorname{tg}(b-c)\times\operatorname{tg}(c-a)$$

$$\frac{\operatorname{tg}a-\operatorname{tg}b}{1+\operatorname{tg}a\operatorname{tg}b}+\frac{\operatorname{tg}b-\operatorname{tg}c}{1+\operatorname{tg}b\operatorname{tg}c}+\frac{\operatorname{tg}c-\operatorname{tg}a}{1+\operatorname{tg}c\operatorname{tg}a} =$$

$$\frac{(\operatorname{tg}a-\operatorname{tg}b)(1+\operatorname{tg}b}{(1+\operatorname{tg}a\operatorname{tg}b)(1+\operatorname{tg}b\operatorname{tg}c)(1+\operatorname{tg}c\operatorname{tg}a)}$$

$$\operatorname{tg}A+\operatorname{tg}B+\operatorname{tg}C=\operatorname{tg}A\operatorname{tg}B\operatorname{tg}C$$

$$\frac{1}{\operatorname{cotg}(a-b)}+\frac{1}{\operatorname{cotg}(b-c)}+\frac{1}{\operatorname{cotg}(c-a)}$$

$$\operatorname{cotg}(b-c)[\operatorname{cotg}(c-a)]+\operatorname{cotg}(a-b)$$

